

سی و هفت



فرازها، فرودها، افقها

سی و هفت سالگی بنیاد سینمایی فارابی
در گفت و گو با دست اندرکاران هنر صنعت سینما





به سفارش: روابط بنیاد سینمایی فارابی
زیر نظر: میلادشکرخواه، محمدرسول صادقی
با همکاری: هادی آفریده، علی افشار، مریم جودکی، حسین شیخ الاسلامی، ایمان رحیم پور
گرافیک و نظارت چاپ: علیرضا کیایی
ویراستار: مریم رهبر
تاریخ انتشار: مرداد ۱۴۰۰
شمارگان: ۵۰۰ جلد
نشانی: خیابان سی تیر، نرسیده به تقاطع جمهوری، شماره ۵۹
تلفن: ۰۲۱۶۶۷۱۰۱۲۹
دورنگار: ۰۲۱۶۶۷۱۹۵۶۷
وبگاه: www.fcf.ir



۵	مقدمه
۹	بخش اول / روایت مدیران عامل: تاریخ شفاهی بنیاد سینمایی فارابی
۱۲	سید محمد بهشتی / تسلسل مرگ و میلاد
۱۴	محمد حسین حقیقی / حرکت در فضای نامطلوب
۱۶	عبدالحمید محبی / سرمایه سینمای ملی
۱۸	محمد مهدی عسگریور / نقش‌ها و ایده‌ها
۲۰	علیرضا رضاداد / سینمای استاندارد
۲۲	سید احمد میرعلایی / ضربه تغییرات
۲۴	علیرضا تابش / تحول فارابی، طرحی برای فردا
۳۳	بخش دوم / سی و هفت سالگی بنیاد سینمایی فارابی، فرازها، فرودها، افق‌ها
۳۴	آناهید آباد / چشمان باز
۳۵	پوریا آذربایجانی / حق و اعتماد
۳۶	عبدالله اسفندیاری / سیم سیاست‌زدگی
۳۷	همایون اسعدیان / مسئله عدالت
۳۸	حبیب اسماعیلی / مسئولیت‌ها و دغدغه‌ها
۴۰	محمد رضا اصلانی / موازنه و مُد
۴۲	سیروس الوند / فصل‌ها و رنگ‌ها
۴۳	احمد امینی / تعیین تکلیف
۴۴	داریوش بابائیان / بازنگری برای فردا
۴۵	روح‌الله برادری / اهمیت بازخورد
۴۶	مریم بحرالعلومی / به نفع آینده
۴۷	عادل تبریزی / سینمایی‌ها و غریبه‌ها
۴۸	کمال تبریزی / فرمول غیرریاضی
۴۹	فرهاد توحیدی / افق‌های دور برای سینما
۵۰	علی اکبر ثقفی / عیارسنجی بدون شابلون
۵۱	حامد حسینی / نقشه راه
۵۲	محسن دامادی / هدف‌گذاری با هزینه کم
۵۳	پوران درخشنده / جهانی شدن
۵۴	امیرشهاب رضویان / مدرسه فارابی
۵۶	حسین زندباف / سنگ بنا
۵۷	رهبر قنبری / در جستجوی اتوپیا

۵۸	علی عطشانی / یک شرط منطقی
۵۹	سید جمال سادتیان / اقتصاد شکننده سینما
۶۰	مهدی سجاده‌چی / سرمشقی برای تحول
۶۱	محمدرضا شرف‌الدین / «باید»ی به نام فرهنگسازی
۶۲	منوچهر شهسواری / سینما و راه توسعه
۶۴	مهدی صباغ‌زاده / خطر خروج از ریل
۶۵	سحر صباغ سرشت / ضرورت آسیب‌شناسی
۶۶	رسول صدرعاملی / رویاها و آرمان‌ها
۶۸	نادر مقدس / نیاز به موج جدید
۶۹	ولی‌الله مدنی / راهکاری برای آینده
۷۰	تورج منصوری / ورود به چله دوم
۷۱	سهیل موفق / تهدید بزرگ
۷۲	محمدعلی نجفی / هویت و حرکت
۷۳	جواد نوروزبیگی / یک جای خالی
۷۴	افشین هاشمی / سیاست‌ها و نگاه‌ها
۷۵	هارون یشایائی / از دیروز تا امروز





«بنیاد سینمایی فارابی» پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در خرداد ۱۳۶۲ تأسیس شد. در این سال به دستور «فخرالدین انوار» معاون وقت سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، گروهی متشکل از: «سیدمحمد بهشتی»، «محمد مهدی دادگو»، «محمد آقاجانی» و «مهدی مسعودشاهی» مسئول رسیدگی امور مربوط به سینما و راه‌اندازی دوباره این هنر در کشور شدند. با توجه به اینکه در سال ۱۳۵۶ باشگاه فارابی با هدف گسترش فرهنگ سینمایی از طریق کلوب‌های نمایش فیلم تأسیس شده بود و اساسنامه مدونی نیز داشت این باشگاه با تغییر نام به بنیاد و پس از انجام مراحل قانونی، درگام نخست برای حل معضلات سینما راه‌اندازی شد.

بنیاد سینمایی فارابی به عنوان «نهاد ملی سینما» با رسالتی فرهنگی در دوران انتقالی سینمای ایران از دوره «فیلمفارسی سازی» به دوره سینمای انقلاب کار خود را آغاز کرد. این بنیاد به عنوان بازوی اجرایی معاونت سینمایی مسئول اجرای سیاست‌های فرهنگی از طریق حمایت از تولید آثار سینمایی متناسب با فضای ایران پس از انقلاب اسلامی بود. با توجه به دگرگونی ساختارها و چارچوب سینمایی پس از انقلاب اسلامی دگرگونی و سازماندهی دوباره صنعت سینما که شامل واحدهای خدماتی، وسایل و تجهیزات و مواد خام و ارتقای تکنیکی سینمای ایران و همچنین تربیت نیروهای انسانی جدید و هدایت سینماگران قدیم به عرصه نوین سینمایی در دستور کار بنیاد سینمایی فارابی قرار گرفت و بر این اساس سیاست‌های هدایتی و حمایتی تبیین شد و به مرور زمان این سیاست‌ها با تغییرات متناسب با نیازهای روز سینمای ایران همراه و دگرگون شد. اما این، روایتی خشک و صوری از تحولات بنیاد است، برای فهم، یا به قول وبر، تفهم آنچه در فرآیند تأسیس فارابی رخ داد و نیز درک الزامات، فشارها و نیز مواجهه این بنیاد با انتظارات و رفتارهای هنرمندان از یکسو و نهاد‌های و بازیگران حاکمیتی از سوی دیگر، چاره‌ای جز رفتن به سراغ افراد، یا اسناد حاکی از کم و کیف آن روزها پیش رویمان نیست.

مجموع و برآیند این نیروهای گاه متضاد و گاه همسو، در کلی‌ترین شکل خود، به صورت تعریف مأموریت نهادی به نام بنیاد سینمایی فارابی، خود را نشان می‌دهد. مقایسه مأموریت قدیم و جدید بنیاد، به خوبی نشانگر عمق تحولاتی است که جامعه هنری ایران در این نزدیک به چهاردهه تجربه کرده است. در «مأموریت‌های قدیم» این بنیاد مواردی چون کمک به صنعت سینمای کشور به ویژه در حوزه تولید فیلم‌های سینمایی و بالاخص فیلم‌های سینمایی همسو با اهداف فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ارتقای سطح کیفی و تکنیکی سینمای کشور، ایجاد و فراهم آوردن امکانات و تجهیزات سینمایی اعم از تجهیزات نوری و حرکتی و غیره، حمایت از حوزه تحقیق و نگارش فیلمنامه‌های سینمایی، اعطای وام به فیلمسازان و مشارکت در تولید فیلم‌های سینمایی، برگزاری جشنواره‌های سینمایی از جمله جشنواره بین‌المللی فیلم فجر و جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان، حضور در جشنواره‌های بین‌المللی سینمایی و همچنین معرفی و پخش فیلم‌های ایرانی در خارج از کشور، برگزاری جشنواره‌های تخصصی سینمایی و... تعریف شده بود و از نیمه دوم دهه ۹۰، گسترش نهضت تولید محتوا در سینمای ایران با استفاده از ظرفیت‌های موجود ملی در راستای حمایت از خدمات و تولیدات محتوایی بومی در فضای مجازی، توانمندسازی و تسهیل‌گری کسب‌وکارهای نوپا و حمایت از متخصصان این حوزه و صاحبان ایده‌های خلاقانه و تسهیل روند ایجاد، فراهم آوردن

شرایط رشد و توسعه فعالیت‌های مرتبط با صنعت سینما در زیست‌بوم مجازی، شفافیت در صنعت سینما و استانداردسازی فعالیت‌ها در محیط کسب و کارهای سینمایی به منظور ترغیب اشخاص حقیقی و حقوقی در چارچوب استانداردها به سرمایه‌گذاری در تولید فیلم و زیرساخت‌های سینمایی و تسهیل در معرفی و فروش داخلی و خارجی محصولات سینمایی، اخذ سهم بیشتر از بازارهای جهانی با تقویت و گسترش آثار سینمای ایران برای کشورهای منطقه و جهان، تقویت حوزه آموزش و پژوهش‌های کاربردی و بین رشته‌ای در حوزه سینما و فضای مجازی و همچنین افزایش سهم محتوای تخصصی در حوزه سینما و ترویج آموزه‌های کاربردی در فرمت‌های دیجیتال به منظور تربیت نیروی انسانی متخصص در عرصه فعالیت‌های هنری و سینمایی از جمله مأموریت‌های جدید بنیاد سینمایی فارابی تعیین شده است.

بی تردید، در سال‌های آینده، تاریخ بنیاد سینمایی فارابی از زبان‌ها و منظرهای مختلف، بارها و بارها روایت خواهد شد. نظم دانشگاهی و شیوه نگارش تاریخ نشان داده است که بدون فهم و تحلیل تجربه‌های گذشته، انباشت دانش صورت نخواهد گرفت و بدون تردید نقش این بنیاد برجسته‌تر از آن است که بتوان تاریخ هنر و سینمای کشورمان در این چهار دهه را بدون بررسی دقیق نقش این نهاد، ترسیم کرد. اما برای تحلیل درست، شاید بیشترین ضرورت، وجود اسناد دست اول، و مشاهدات و تجربیات کسانی است که خود دست به عمل زده، و این تاریخ را نگاشته‌اند. در سنت ایران‌شهری، سوگمندانۀ مثنوی مستندنگاری و حفظ تجربه‌های دست اول برای آیندگان، چندان رسم مرسوم نبوده است و همین خلاء باعث شده تا بسیاری از نقاط تاریک و مبهم در تاریخ فرهنگ و اندیشه کشور ما، پس از سال‌ها تحقیق و پژوهش همچنان در مه غلیظ عدم اطمینان و فقدان اسناد و مدارک معتبر و دقیق باقی بماند، و برای ایضاح این نقاط، چاره‌ای جز اکتفا به برداشت‌ها و حدس‌های شخصی، پیش روی محقق وجود نداشته باشد. متنی که پیش رو دارید را شاید بتوان تلاش برای از میان بردن این نقیصه برای آیندگان دانست. آنانی که در سال‌های آینده دست به تحلیل سینمای ایران در این بازه زمانی خواهند زد، دست کم با این مجموعه، روایتی دست اول و شفاهی درباره نحوه شکل‌گیری، تحولات و نیز فرآیند تعاملات میان بنیاد سینمایی فارابی در سال‌های فعالیتش را خواهند داشت و احتمالاً به شیوه‌ای متقن‌تر در باب ماهیت آن به دآوری خواهند نشست. از این زاویه، کتاب حاضر را می‌توان گزارشی برای آینده دانست، خواه این آینده، مورخان و محققان تاریخ سینما باشند، خواه مدیران و سیاستگذاران نسل‌های پیش رو، به هر حال روایت موجود در این کتاب، روایتی تا حد ممکن نزدیک به واقعیت شخصی، از تنگناها، مزایا و انتخاب‌های مدیران و هنرمندانی است که در این چهار دهه کوشش کردند، بنایی با عنوان «سینمای ملی ایران» را شکل دادند و به جهانیان معرفی کردند.

در مجلد حاضر، در بخش یک، گزیده‌هایی از گفت‌وگو با هفت تن از مدیران عامل ادوار بنیاد منتشر شده است. البته برخی از مدیران تمایلی به صحبت نداشتند و دعوت روابط عمومی بنیاد را برای گفت‌وگو نپذیرفتند. در بخش دو، با عنوان «فرازاها، فرودها، افق‌ها» گزیده نقطه‌نظرات ۳۷ سینماگر در سی و هفت سالگی بنیاد سینمایی فارابی منعکس شده است. ویدئوهای کامل این گفت‌وگوها مستندسازی شده و بخش‌هایی در سایت، صفحه آپارات و شبکه‌های اجتماعی بنیاد سینمایی فارابی انعکاس یافته است.



روایت مدیران عامل



محمد رجبی
مدیر عامل
بنیاد سینمایی فارابی
از ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۶



محمد حسین حقیقی
مدیر عامل
بنیاد سینمایی فارابی
از ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۴



سید محمد بهشتی
بنیانگذار و مدیر عامل
بنیاد سینمایی فارابی
از ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۳



محمد مهدی عسگریپور
مدیر عامل
بنیاد سینمایی فارابی
از ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۱



عبدالحمید محبی
مدیر عامل
بنیاد سینمایی فارابی
از ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۰



محمد حسن پزشکی
مدیر عامل
بنیاد سینمایی فارابی
از ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۸





سید احمد میرعلایی
مدیر عامل
بنیاد سینمایی فارابی
از ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲



مجید شاه حسینی
مدیر عامل
بنیاد سینمایی فارابی
از ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۸



علیرضا رضاداد
مدیر عامل
بنیاد سینمایی فارابی
از ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۶



علیرضا تابش
مدیر عامل
بنیاد سینمایی فارابی
از ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۰



رمضانعلی حیدری خلیلی
سرپرست
بنیاد سینمایی فارابی
به مدت ۳ ماه، در پاییز و
زمستان ۱۳۹۳



محمد رضا جعفری جلوه
مدیر عامل
بنیاد سینمایی فارابی
از ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۳



تسلسل مرگ و میلاد

سید محمد بهشتی

بنیانگذار و مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی

از ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۳

سینمای قبل از انقلاب یک متن داشت و یک حاشیه. متن سینمای قبل از انقلاب در ادبیات آن موقع معروف به فیلمفارسی بود و حاشیه‌اش، سینمایی بود که اهل اندیشه و فکر بود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، قرار نبود در خلأ، سینمای ایران را دوباره برپا کنیم. ما یک عقبه داشتیم که در آن، سینما مترادف با فحشا بود و وقتی تاسوعا و عاشورا می‌رسید، بخشنامه می‌کردند که عرق‌فروشی‌ها، کاباره‌ها و سینماها تعطیل هستند! یعنی سینما را در این ردیف می‌شمردند... پس ما در اینچنین فضایی تلاش کردیم تا دوباره سینما را برپا کنیم و به نوعی جامعه را با سینما آشتی بدهیم.

● ما پرهیز داشتیم از اینکه سینمای مان، دولتی بشود. از ابتدا می‌خواستیم حتماً بخش خصوصی در آن فعال باشد و فیلمسازها خودشان تصمیم‌گیرنده باشند، در عین حال ما نقش حمایتی داشته باشیم. تا سال ۶۵ که قرار شد مسائل کمی سینما حل و فصل شود، تا حد زیادی این جابجایی هم انجام شد و ما از سال ۶۵ به بعد عملاً شاهد رشد کیفی سینما (یا در واقع رشد سینمای واجد کیفیت) بودیم. سینمای ایران به رسانه‌هایی که آن سینمای کیفی را پشتیبانی بکنند، نیاز داشت. سینمای ایران به تألیف و ترجمه کتاب احتیاج داشت و بایستی چیزهایی که در سینما در سایه قرار می‌گرفت، دیده می‌شدند. انتشارات بنیاد سینمایی فارابی و فصلنامه تخصصی فارابی این نقش را در سینمای نوین ایران ایفا کرد.

● در نهایت به جایی رسیدیم که جشنواره بین‌المللی جدی‌ای در جهان نبود که فیلم ایرانی نشان ندهد. بزرگترین ابزار ما زبان بود؛ حرف می‌زدیم. گفتگو می‌کردیم. ساعت‌ها با فیلمسازان و فیلمنامه‌نویسان گفتگو می‌کردیم. اگر کسی از ما یک بی‌ادبی در آن خلوت می‌دید، طبیعی بود که پرهیز می‌کرد که بیاید و با ما صحبت کند. هر جا اگر کسانی که باید می‌آمدند و کاری برای سینمای باکیفیت انجام می‌دادند، حضور نداشتند و فعال نبودند، ما به نیابت از آنها حضور پیدا می‌کردیم و این کار را انجام می‌دادیم. مثالش در ایجاد سینمای کودک است. ما احساس می‌کردیم در این منظومه با توجه به جوان بودن جمعیت کشور ما باید سینمای کودک را فعال کنیم، در شرایطی که هیچ‌وقت بخش خصوصی جرأت نمی‌کرد وارد سینمای کودک شود. جنگ تمام شده بود و خیلی‌ها فکر می‌کردند باید دیگر دستشان را تکان بدهند و از این سینما بروند و سینمای دفاع مقدس دیگر دورانش سپری شده است، اما همان زمان ما فیلم «افق» را ساختیم تا نشان بدهیم هنوز در سینما جنگ تمام نشده است.

● بنیاد سینمایی فارابی باید یک نقش حمایت‌کننده از دیگران داشته باشد و نه رقابت با دیگران. اگر ما این اصول کلی را در فارابی به رسمیت بشناسیم، آن وقت سؤال پیش می‌آید که ما در چه زمانه‌ای به سر می‌بریم؟ فارابی در هر مقطعی، باید عرصه‌های ناشناخته را طی کند و آدم‌ها را به سمت آنجا فرا بخواند. فارابی باید دائم بمیرد و متولد شود.



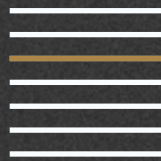
حرکت در فضای نامطلوب

محمد حسین حقیقی
مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی

از ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۴

● در مقطع فعالیت من در بنیاد سینمایی فارابی، فضای پیرامونی مطلوب نبود. با وزیری هم‌دوره بودیم که وقتی از او پرسیدم نظرت در مورد فلان فیلمساز مهم چیست، او را نمی‌شناخت و من باید به او می‌قبولاندم که این آدم یکی از بزرگان سینمای کشور است! در عرصه بین‌المللی هم تقریباً فکر کرده بودند که با رفتن آقای بهشتی، سینمای ایران تعطیل شده است. به هر حال در آن مقطع، افرادی با سیاست‌ها و روش‌های ما و با این تولیدات، مخالف بودند. طیف‌هایی متشکل از طرفداران فیلمفارسی تا طرفداران فیلم «توبه نصوح»، مخالفان جریانی بودند که در سینمای کشور شبانه‌روز، درست فعالیت می‌کرد... از آن سو، رسانه‌های جدید مطرح شده بود، شکل اکران تفاوت پیدا کرده بود و سلیقه‌های جدید در سینمای ایران ظهور و بروز یافته بود.

● ما تلاش کردیم با تداوم حمایت از سینمای ملی، حضور خیلی جدی‌تری داشته باشیم و کاری کنیم تا روند ایجاد شده در بنیاد سینمایی فارابی متوقف نشود و زحماتی که سینماگران در عرصه تولید فیلم کشیده بودند، از بین نرود. اینگونه بود که در مقطع مدیریتی من، هم فیلم‌های خوبی تولید شد و هم حضور جهانی محکم و موفق داشتیم.



سرمایه سینمای ملی

عبدالحمید محبی

مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی

از ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۰

● در دوره من، صحبت بیشتر از سر تعامل بود. اینکه بتوان کیفیت را ارتقاء داد و فیلم‌ها را قابل نمایش کرد و شرایطی را فراهم آورد که مردم از دیدن فیلم در سینما محروم نشوند. به همین ترتیب، ما با بدنه سینما ارتباط بسیار نزدیک و خوبی داشتیم. من موفق شدم برای اینکه بتوانم در ادامه همین مسیر راهی را پیدا کنم، این موقعیت را ایجاد کنم که فیلم‌های خارجی با صدای اصلی و با زیرنویس فارسی روی پرده بروند. این اقدام، اگران‌های بسیار بسیار پررونقی را به همراه داشت که بعضی اوقات با سانس‌های فوق‌العاده شبانه و بامدادی هم روبه‌رو می‌شد. معاونت سینمایی در آن دوره مرحوم سیف‌الله داد بود و ما بحث‌هایی را در همین حوزه با بخش فرهنگی بنیاد فارابی آغاز کردیم و از همکارانمان در آن بخش انتظار داشتیم که متأثر از سیاست‌های وزارت ارشاد، با تساهل و تسامح با بدنه سینما برخورد کنند.

● امروزه شرایط بدی را تحمل می‌کنیم و نمی‌دانم چرا؟ آیا دچار روزمرگی شده‌ایم؟ آیا دچار سیاست‌بازی بیش از اندازه شده‌ایم؟ آیا احساس مسئولیت کمتری نسبت به آینده کشورمان داریم؟ آیا ناامید شده‌ایم؟ به هر روی هنر و هنر سینما، بدون حمایت، بدون دستگاه‌های دولتی آسیب‌پذیر خواهد بود. اگر این اتفاق نیفتد، ما سینما را هم به عنوان یک سرمایه اجتماعی از دست می‌دهیم. ما مدیران فرهنگی در مقاطع مختلف زحمت کشیده‌ایم و هنرمندان ما هم خون دل خورده‌اند تا این مهارت‌ها، توانمندی‌ها و الهامات را بروز دهند. اگر آنها نتوانند هنر خود را عرضه کنند، این سرمایه را از دست خواهیم داد...



نقش‌ها وایده‌ها

محمد مهدی عسگریور
مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی

از ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۱

● سینما در هر کشوری که درگیر جنگ می‌شود، یک مدتی تعطیل می‌شود اما اینجا، سینما رونق پیدا کرد و این خلاف آن چیزی بود که عرف جهانی به ما می‌گفت. حالا چه چیزی باعث شد که این اتفاق بیفتد؟ باید به نقش مدیران فرهنگی دهه شصت توجه کرد. به مرور، خیلی از کسانی که پیشرفت کشور ما را بر نمی‌تابیدند و نمی‌خواستند آن را ببینند، - که من نه اسم‌شان را دشمن می‌گذارم نه دوست، آن گروهی که اینگونه نگاه می‌کردند و در داخل و خارج از کشور کم هم نبودند- احساس کردند که این جریان باید شکل دیگری پیدا کند. اولین کاری که باید با آن می‌کردند این بود که مدیران لایق را از آن بگیرند. رسانه‌های داخلی که ظاهر دلسوزانه‌ای داشتند - که الآن هم هستند- باید نسبت به قضایا تند نگاه می‌کردند؛ مثلاً اینگونه وانمود کنند که خون شهدا این وسط دارد تلف می‌شود چون مثلاً آقای کیارستمی به جشنواره‌های خارجی رفته و... فراموش می‌کردند که نقش هر کدام از اینها چیست؟ در دوره بعدی، اولین کاری که کردند این بود که مدیران فارابی را از بخشی انتخاب کنند که خیلی مشخص و واضح، زیرمجموعه وزارت ارشاد باشند!

● در دهه هفتاد باید نقش یک مسئول دولتی که نگاه فرهنگی نسبت به موضوع دارد و خودش هنرمند است و بعد مسئولانی در حوزه سینما که هم جدی هستند و هم برای فعالیت‌شان ایده دارند، را جدی گرفت، چرا که حتی یک ایده غلط، بهتر از این است که آدم ایده نداشته باشد. رابطه نهاد صنفی - که خانه سینما است- با تشکلی مانند بنیاد سینمایی فارابی و یا مجموعه وزارت ارشاد بعد از سال هفتاد و شش خیلی پررنگ شده بود و همه احساس می‌کردند که فارابی می‌تواند در کنار جریان نظارتی، حامی آنها باشد. در بسیاری از شوراهای سیاستگذاری که آن زمان تشکیل می‌شد، عمدتاً از اهالی سینما استفاده می‌شد و به همین دلیل، مثلاً فیلمسازانی که در حوزه سینمای اجتماعی فعال بودند، تلاش می‌کردند شکل‌های جدیدی را تجربه کنند که پیش‌تر تجربه نشده بود. این هم آسیب‌های خودش را داشت و هم به نظر من، منفعت‌های زیادی برای سینمای ایران به همراه داشت.



سینمای استاندارد

علیرضا رضاداد

مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی

از ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۶

● سینمای دهه هشتاد، در آستانه یک پوستاندازی بود، و قوام و بنیادهای لازم در سینما شکل گرفته بود، در آن دوره، ما اولین کاری که کردیم این بود که جز دوربین، تمام مؤلفه‌های دیگر کمک‌های صنعتی فارابی به سینمای ایران را به خود سینمای ایران واگذار کردیم. از آن طرف در حوزه استانداردسازی بنایمان را بر استقبال از فن‌آوری‌های جدید گذاشتیم و آنچه که مقصود و غرض اصلی ما بود، بالابردن استانداردهای سینمای ایران بود. به دو سه نفر از پخش‌کنندگان فعال در بخش خصوصی اجازه دادیم که فعالیت کنند و خودمان سینماگران را تشویق می‌کردیم که پخش بین‌الملل فیلم‌هایشان را به آنها بدهند. ما به این جمع‌بندی رسیده بودیم که باید به سمت استانداردسازی سینمای ایران برویم. سینمای ایران دوره تأسیس خود را طی کرده بود، سینمای پس از انقلاب، دوره ثبات خود را طی کرده بود و الآن باید به سمتی می‌رفت که از سینمای ایران یک تعریف حرفه‌ای و استاندارد بدهد.

● امروزه بنیاد سینمایی فارابی باید به دنبال ترسیم الگوی کوچک برود و هر آنچه می‌تواند در سینمای ایران توسط روابط میان بخشی رقم بزند و به روزی امیدوار باشد که همه مسائل سینما در مناسبات حرفه‌ای خود سینماگران حل و فصل شود.



ضربه تغییرات

سید احمد میرعلایی
مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی

از ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲

● با هر مدیری سلايق تغيير مي‌کند و در فرهنگ و هنر، اين بزرگ‌ترين ضربه است. در مورد نقش بنياد فارابي در سينما بايد گفت که بخش خصوصي بداند فارابي کنارش است و حامی اوست. فارابي آمده است که اگر او خوب عمل کرد، بيرون بنشيند و فقط او را تشويق کند. کار ديگري هم نکند! در دوره مديريتي من، با دو فيلم «راه آبي ابريشم» و «ملک سليمان» مواجه بوديم که بيست و پنج درصد از کارهايشان مانده بود که تکميل شوند. ادامه توليد هر دو فيلم تعطيل شده بود و ما در شرايطي بوديم که اصلاً پول نداشتيم و جشنواره فيلم فجر را هم بايد برگزار مي‌کرديم. در چنين شرايطي تلاش کرديم تا هر دو فيلم به سرانجام برسند.

● جذب آدم‌ها، وظيفه بنياد سينمايي فارابي است. فارابي براي سليقه خاص نمي‌تواند فيلم بسازد. بايد ببيند چه کار بايد بکند که جذابيت داشته باشد؟ آنچه براي مردم جذابيت دارد، سينماي اجتماعي است. مشى ما اين بود که به فيلمساز اعتماد کنيم و اگر نظارتي هست، در تعامل اتفاق بيفتد. آيا آقاي شهبازي فيلمساز بدی است؟ نه! فيلمساز خوبی است، پس بايد به او اعتماد کنيم. او فيلمش را فيلمبرداري کرده بود که ما پيشنهادي در دو سکانس به او داديم و او هم پذيرفت و گفت: «بله! اين پيشنهاها فيلم من را خيلي خوب مي‌کند...». ما با فيلمساز تعامل داشتيم نه اينکه بخواهيم چيزي را حقه بکنيم و مثلاً به او بگويم شما اين صندلي را بردار جايش يک پيت حلي بگذار!

● کدام جشنواره معتبر دنيا را سراغ داريد که بنياد سينمايي فارابي را شناسد؟ آنچه ما تحويل گرفتيم طبيعتاً يک سازمان بسيار مقتدر بود که اثرات مهمي بر سينماي ايران گذاشته است.



تحويل فارابی طرحی برای فردا

گفت و گو با «علیرضا تابش» مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی
درباره چشم انداز، فعالیت ها و عملکردش شش ساله

● شش سال پیش و در بدو شروع فعالیت در بنیاد سینمایی فارابی، چه میراثی به شما رسید؟

بنیاد سینمایی فارابی همواره در سه دهه اخیر، به عنوان یک نهاد ملی در سپهر فرهنگی کشور نقش آفرین بوده؛ طی سال‌ها برای سینمای ایران مرجعیت فرهنگی داشته است. بنیاد، جزئی از زیست‌بوم فرهنگ و هنر ایران است. این پرسش ما را به این مسیر می‌برد که بار دیگر بررسی کنیم و ببینیم در سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۹۳، فضای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران چه سمت و سویی داشت. نگاه جامعه هنری به مسائل مختلف و نقش دولت در رابطه با جامعه هنری چه بود و نسبت یک جامعه در حال گذار - که ما سال‌هاست از آن حرف می‌زنیم - در آن سالی که من در بنیاد سینمایی فارابی مسئولیت را پذیرفتم، چه بود؟ وقتی این مقولات را کنار هم بگذاریم، می‌توانیم در پاسخ به پرسش شما به یک جمع‌بندی برسیم. واقعیت این است که سینمای ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در ابتدا با یک برخورد سلبی جدی روبه‌رو بود. در واقع از آنجا که سینمای به جا مانده از دوره طاغوت و نظام پهلوی از دید انقلابیون و بنیانگذاران نظام جدید، نفی می‌شد، تدبیر حاکمیت و دولت جدید این بود که با تأسیس بنیاد سینمایی فارابی، به نوعی از سینمای نوین ایران نگهبانی کند یعنی حافظ سینمای ایران باشد و نگذارد سینمای ایران از هم بپاشد و منهدم شود. سینمایی که بعدها افتخارات ارزشمندی هم برای کشورمان کسب کرد. به نظر من دولت، وزارت وقت ارشاد اسلامی، معاون سینمایی وقت، مدیران سینمایی دهه‌های ۶ و ۷ و بنیاد سینمایی فارابی، پاسبانان کیان سینمای ایران در مقابل نگاه‌های رادیکال بودند. در ادامه اما، آن نقش و کارکرد اولیه بنیاد سینمایی فارابی، از آنجا که همه چیز در اختیار دولت و این بنیاد بود، به سمت مداخله از جنس تصدی‌گری رفت و اینجا نوعی انحصار به وجود آمد چنان که مدیران بنیاد سینمایی فارابی، نقشی تعیین‌کننده در ساخته شدن یا ساخته نشدن فیلم‌های سینمایی داشتند! علتش هم این بود که بنیاد سینمایی فارابی، یک مجموعه بزرگ تجهیزات فنی در اختیار داشت و از سینمای ایران پشتیبانی فنی می‌کرد؛ بنابراین، همه ارکان فنی سینما از تأمین نگاتیو گرفته تا تجهیز گروه‌های فیلمسازی با دوربین، سه‌پایه، ابزار نور، صدا، تجهیزات لابراتواری و فنی، استودیوهای تدوین و صدا و... به نوعی گوش به فرمان بنیاد سینمایی فارابی بودند و جامعه سینما هم این اصل را پذیرفته بود و آن زمان مثل امروز، امر مذمومی نبود. آرام‌آرام پیش‌رفتیم و بخش خصوصی در سینمای ایران جان گرفت و البته تکنولوژی هم رویکردهای جدید خودش را به جامعه جهانی و کشور ما تحمیل کرد. دوره‌ای که ما بنیاد سینمایی فارابی را در اوایل دهه ۹۰ تحویل گرفتیم، سرآغاز موج دیجیتال‌یسم در سینمای ایران بود. دیگر با دوره فیلمسازی نگاتیو طرف نبودیم و یکی از رخدادها در زمانی که ما جزو متصدیان سینمای ایران بودیم و امروز که در تداوم آن سال‌ها در حال خدمات‌رسانی هستیم، در یک روند سریع، دیجیتال شدن همه ابزار تولید و پخش سینماست. این یک انقلاب تکنولوژیک بود چرا که در ابتدا سالن‌دارها به سادگی زیر بار پذیرفتن فضای جدید نمی‌رفتند... اقتصاد سینما داشت متحول می‌شد و نیروی انسانی، ادوات، تجهیزات، شکل حمل‌ونقل فیلم از لابراتوارها به سالن‌های سینما و همه اینها، دستخوش تغییر شده بود. به همین دلیل، من همواره جدی و شوخی، در جلساتی که داشتیم خطاب به دوستان فیلمساز، تهیه‌کننده،

نویسنده و کارگردان می‌گفتم که «نمی‌شود فقط حرف از سینمای دیجیتال زد». نمی‌شود ابزار دیجیتال برای تولید و حتی توزیع و بازاریابی فیلم در دست ما باشد، اما فکرمان آنالوگ باشد! ما معتقد بودیم که فکر هم باید هر چه سریع‌تر تغییر کند و نویسندگان، طراحان، کارگردانان و گروه‌های کاری سینمای ایران باید ملتفت باشند که تکنولوژی دارد چه صحنه‌های جدیدی را در هنر دنیا خلق می‌کند. پس آنها بایستی خودشان را روزآمد می‌کردند و سطح دانش خود را ارتقا می‌دادند... البته به گمان من، گروهی از جوانان که طی این سال‌ها وارد سینمای ایران شدند، به نوعی روند اشتراک‌گذاری معلومات جدید را تسریع کردند و این جسارت را هم داشتند که سازنده نوعی جدید از آثار باشند یعنی در کنار فکر و ایده خلاق، تجربه‌های جدید فناورانه هم داشته باشند. روندی که نتیجه‌بخش هم بود و ما از حوزه انیمیشن گرفته تا جلوه‌های ویژه بصری و... شاهد موفقیت نیروی جوان خلاق و مبتکر سینمای ایران بودیم.

● توضیحات شما نشان می‌دهد در یک دوره گذار مدیریت بنیاد سینمایی فارابی را در دست گرفتید. قاعدتاً برای تبیین نگاه و سیاست‌ها، نیازمند مدیریت زمان بودید. چقدر طول کشید تا به نقشه راه جدید برسید و در این مسیر چه مشکلات و دستاوردهایی داشتید؟

بله، همانطور که اشاره می‌کنید تفکر من، مشاوران و همکارانم به مرور زمان شکل گرفت و کامل شد. در ابتدا شاید ما خیلی همفکر نبودیم که البته این هم طبیعی است. گروهی که دور هم جمع می‌شوند، باید ساعت‌ها گفت‌وگو، مباحثه و مطالعه کنند و به یک ارزیابی آسیب‌شناسانه نسبت به محیط کارشان، سینما، و فضای کلانی که در آن زیست می‌کنند، برسند. جمع‌بندی من به عنوان مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی، این بود که ما باید نقش تسهیل‌گر را در سینمای ایران داشته باشیم. با مقدمه‌ای که بیان کردم، به این نتیجه رسیده بودیم که ما دیگر نگهبان سینما نیستیم و متصدی هم نخواهیم بود، پس باید نگاه تسهیل‌گرانه در سینمای ایران داشته باشیم یعنی باید در دوره جدید همانطور که اشاره کردید، یک دوره گذار بود، با نگاه و فکر متفاوت و جدید تسهیل‌گری کنیم و با پرداختن به موضوعاتی که در بدنه سینمای ایران به آنها توجه نشده، برخی از عقب‌ماندگی‌ها را جبران کنیم.

● راهکار اولیه شما در این مسیر چه بود؟

یکی از ایراداتی که می‌شد بر بنیاد سینمایی فارابی و مدیریت‌های پیشین آن وارد کرد، نبود واحد R&D یا تحقیق و توسعه به شکل مرسوم آن در شرکت‌های مهم دیگر دنیاست. اساسی‌ترین نقش‌آفرینی بنیاد سینمایی فارابی، حمایت از تولید سینما در سینمای حرفه‌ای است اما به گمان من، ما زنجیره‌ای از فعالیت‌ها را داریم که می‌توانند تکمیل‌کننده هم باشند. به عنوان مثال، ما در بنیاد سینمایی فارابی فصلنامه و ماهنامه داریم که خروجی آنها گفتمان‌سازی است. مدیری که اینجا نشسته اگر در دوره مدیریتی خود، درک درستی از زمانه نداشته باشد، چگونه می‌تواند یک مسیر تازه را طی کند؟ حقیقتاً ما (من و معاونینم) تلاش کردیم که این اتفاق در

این چند سال بیفتد و اگر پژوهشگران، مجموعه آثار و نشریاتی که در این دوره زمانی چاپ شده را مرور کنند، به این نتیجه خواهند رسید. هدف ما این بود که اگر وبسایت و نشریه داریم، بتوانیم مطابق با دانش، معرفت و مفاهیم فرهنگی و فنی روزآمد مرتبط با سینما که خیلی هم گسترده هستند، مطابق نیازها و اولویت‌های سینمای ایران ورود کنیم و دست به هر اقدام تازه‌ای بزنیم. بخش دیگری از این زنجیره، بخش بین‌الملل بنیاد سینمایی فارابی بود. مأموریتی که ما در دوره جدید به همکارانمان در این بخش دادیم، این بود که به بازارهای جدید فکر کنند. اینکه یک بار برای همیشه بنشینیم و بازار را تعریف کنیم. اساساً وقتی می‌گوییم بازار و بازاریابی در سینما، منظورمان کدام بازار است و چه نوعی بازاریابی‌ای را مد نظر داریم؟ به خاطر دارم پیش از موجی که کرونا در جامعه جهانی ایجاد کرد، ما ساعت‌ها با همکارانمان بر ضرورت بازاریابی دیجیتال در سینمای ایران بحث و گفت‌وگو داشتیم. اینکه اساساً پلتفرم‌ها در دنیایی که الآن در آن زندگی می‌کنیم چه نقش و سهمی می‌توانند در گسترش سینما به خصوص سینمای ایران - که سینمای متفاوتی است - داشته باشند. همه از وجوه خلاقانه‌اش، نوع نگاهش، اقلیمی که دارد و... صحبت کردند و ترسیم نگاه تازه آغاز شد. در حوزه بین‌الملل با تعاملی که در این چند سال با کشورهای همسایه و کشورهای منطقه برای تولید مشترک داشتیم، تلاش کردیم به شرکت‌ها و مؤسسات سینمایی منطقه و همسایگان، این پیغام درست را منتقل کنیم که سینمای ایران به‌عنوان یک بازیگر مهم در منطقه خاورمیانه، این آمادگی را دارد که با آنها در تبادل و ارتقای دانش، برگزاری یکسری کارگاه‌ها، تولید فیلم مشترک، رفتن به سمت ساخت بازار منطقه‌ای و... همکاری کند. من در همین مدت ۴-۵ ساله، به کردستان عراق، آذربایجان، ارمنستان و... سفر کردم و برخی از این سفرها، منتهی به تولید مشترک شد. تولیداتی که اتفاقاً با قیمت مناسبی به دست آمد و خوشبختانه دستاوردهایی در سطح بین‌المللی و جشنواره‌ها برای کشور ما داشت. به‌نظرم در این دوره تاریخی، این از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود که ما با نگاه به مقوله دیپلماسی سینمایی، سینما را مدیریت کنیم. سینمایی که مفتخر به گرفتن دو جایزه اسکار شد و همچنان مورد توجه جامعه جهانی قرار دارد. ما در مدیریت سینما بایستی به‌درستی از این ثروت و دستاورد بهره‌برداری می‌کردیم. در دوره اول فعالیت در بنیاد سینمایی فارابی، برجام تصویب شد و من در همان مقطع، یک یادداشت با عنوان «فرصت‌های فرهنگی پس از برجام» نوشتم که در رسانه‌ها هم منتشر شد. برخی از منتقدان هم البته به من تاختند. با روی کار آمدن دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، اساساً صحنه فعالیت‌های سینمای ایران در خارج از کشور هم متحول شد یعنی روزی که کشور ما به توافق برجام رسید، نگاه خارجی‌ها، سطح تعامل‌شان، ایمیل‌هایشان، پیغام‌هایشان و سفرهایشان کاملاً متحول شد و حتی سهم جوایز ایران در جشنواره‌های بین‌المللی به گمان من تغییر کرد. اما وقتی شخصی مثل ترامپ با آن سیاست‌های عجیب و غریبش روی کار آمد و به‌نوعی ایران‌هراسی را ترویج کرد، ما دیدیم که همین سیاست‌ها، شعارها و اقدامات او، تأثیر بسیار بدی روی دیپلماسی سینمایی یا همکاری‌های سینمایی ما با کشورهای دنیا گذاشت. به همین دلیل من می‌گویم اگر یک زمانی ما نگاهمان به غرب یا اروپا بود، آرام‌آرام طی این چند سال تغییر جهت دادیم و متوجه شدیم که حتماً باید در کشورهای منطقه، در چین، هند، روسیه و ترکیه که پایگاه مهم سینمایی، فیلم، سریال و مجموعه تولیدات سینمایی دارند، حضوری جدی‌تر داشته باشیم. البته در این

مسیر تفاهم‌نامه‌هایی را هم امضا کردیم؛ سال گذشته تفاهم‌نامه‌هایی مشترک بین ایران و کره جنوبی و ایران و روسیه به امضای من و دو شرکت مهم سینمایی دیگر منعقد شد. رویکرد ما این بود که بازارهای جدید را بشناسیم و در ادامه بتوانیم سینماگران ایرانی، تهیه‌کنندگان و پخش‌کنندگان را به بازارهای جدید وصل کنیم.

● این تلاش‌ها چقدر نتیجه داد؟

شما می‌دانید تلاش و فعالیت در حوزه فرهنگ و هنر، مثل کاشت گندم نیست. شاید مثل کاشت درختی باشد که حالا بعد از چند سال (۵، ۱۰، ۱۵ یا حتی ۲۰ سال) به محصول برسد. این جهت‌گیری را ما در این دوره آغاز کردیم. امیدوارم که بعدی‌ها بیایند اشکالات ما را اصلاح کنند و بتوانند مسیری را که به‌نظر ما رسید کشور باید در عرصه بین‌المللی سینما دنبال کند، به درستی بپیمایند و ادامه دهند. در واقع ما باید دست به یک فضا سازی نو می‌زدیم و از بازارهای جدید به نفع سینمای ایران و تولیداتش بهره می‌گرفتیم که تا حدودی هم موفق بودیم. در دوره مدیریت ما، بازار فیلم شانگهای به مجموعه بازارهایی که هر سال همکاران ما یا بخش خصوصی در آن فعالیت می‌کردند، اضافه شد. یعنی اگر ما پیش‌تر در کن و برلین چتر سینمایی داشتیم، حال در شانگهای هم خواهیم داشت. کرونا آمده، حضور مجازی خواهیم داشت. یعنی ایران به‌نوعی در فضای بازار دیجیتال این جشنواره‌ها حضور دارد و در موضوعاتی چون تولید مشترک، تبادل فیلم و مباحث اینچنین، با آنها پیش می‌رویم.

● جدا از بخش بین‌الملل، زنجیره ترسیم شده در شرایط تازه، در سایر بخش‌ها چگونه عمل کرد؟

بخش عمده‌ای از حمایت‌های بنیاد سینمایی فارابی در طول سالیان گذشته به حمایت از تولید فیلم‌های سینمایی اختصاص پیدا می‌کند. در دوره مدیریتی من حمایت از فیلم‌اولی‌ها هم به مجموعه حمایت‌های بنیاد سینمایی فارابی اضافه شد. من و مدیران بنیاد مفتخر هستیم که حامی فیلمسازان جوانی بودیم که امیدوار و مطمئن هستیم در سال‌های آتی در سینمای ایران جزو زنان و مردان موفق و جریان‌ساز سینمای ایران می‌شوند. به همین دلیل پای برخی فیلم‌ها و ایده‌ها ریسک کردیم و طبیعتاً نقدهایی را هم شنیدیم اما وظیفه حمایتی ما ایجاب می‌کرد در مقطعی که شاید خیلی‌ها دنبال حمایت از ستاره‌ها یا افراد نامدار در سینما بودند، خوشبختانه بنیاد این توجه را داشت که در شش سال گذشته به‌طور جد هر سال از تعدادی فیلمساز فیلم‌اولی و حتی فیلم‌دومی حمایت بکند. سینمای کودک و نوجوان به دلیل فراز و فرودهای عجیب و غریبی که طی این سال‌ها داشت همواره در دوره مدیریت ما مورد توجه بود. ما سعی کردیم فیلمسازانی که تمایلی به فیلمسازی و حضور در سینمای کودک و نوجوان نداشتند اما ذاتاً علاقه‌مند بودند و یا ایده‌های خوبی داشتند تشویق کنیم. تهیه‌کنندگانی که مطلقاً به سمت سرمایه‌گذاری یا تهیه‌کنندگی این آثار نمی‌آمدند به نوعی آنها را تشویق کردیم. تحولاتی در جشنواره فیلم کودک و نوجوان به‌وجود آوردیم. حمایت از اکران فیلم‌های سینمای کودک و نوجوان را در شورای صنفی

نمایش دنبال کردیم و به دنبال آن، هر سرگروهی موظف شد در هر فصل، یک فیلم سینمایی را اکران کند. همه اینها تلاش‌هایی بود که ما در بخش حمایت از سینمای کودک و نوجوان به آن دست پیدا کردیم. بخشی دیگر از این زنجیره، تغییر کارکرد معاونت پشتیبانی تولید در بنیاد سینمایی فارابی بود که یکی از بخش‌های تصدی‌گر جدی به شمار می‌آمد. من بعد از یک سال از حضور در بنیاد، مطالعات اولیه برای حذف این معاونت را انجام دادم، گرچه حقیقتاً برای من ریسک هم داشت، ولی ناگزیر بودم این کار را انجام دهم. آن معاونت را منحل کردم چون معتقد بودم که بخشی از آن، جبر زمانه است و بخشی از آن هم تصمیمات مهم مدیریتی است که ما بایستی می‌گرفتیم. خوشحال هستم اعلام کنم که این معاونت به نفع بخش خصوصی منحل شد، چراکه فعالیت‌های این بخش را شرکت‌هایی در بخش خصوصی خیلی بهتر از ما انجام می‌دادند و واقعاً ضرورتی نداشت فارابی در این زمینه‌های فنی با بازاری که در بخش خصوصی وجود داشت، رقابت کند. بنیاد سینمایی فارابی ۹ دستگاه سینه‌موپیل داشت که داشتند از رده خارج می‌شدند، آنها را به مزایده گذاشتیم و به بخش خصوصی منتقل کردیم. بخشی از این ابزارها ناکارآمد بودند و بخشی از آنها نوسازی شد و به ناوگان سینمایی کشور پیوست. دوربین‌ها و تجهیزات یونیک و قدیمی را که به نوعی بایستی از آن درست مراقبت می‌شد، به موزه سینما فرستادیم. برخی از تجهیزاتی را که جوانان ما در استان‌ها می‌توانستند از آن استفاده کنند، به دفاتر انجمن سینمای جوانان فرستادیم و بخشی از آنها هم که نیاز بود سینمای ایران از آن استفاده کند، در چند نوبت به مزایده گذاشتیم و خوشبختانه در دفاتر سینمایی ایران توزیع شد و همان دوربین‌ها هم اکنون سرصحنه فیلم‌ها و پروژه‌های مهم سینمایی مورد استفاده قرار می‌گیرند. کار دیگری که در بنیاد سینمایی فارابی صورت گرفت، چابک‌سازی نیروی انسانی بود. روزی که من در اسفند ۱۳۹۳ در بنیاد حضور پیدا کردم، بنیاد سینمایی فارابی ۱۸۰ نیرو داشت و الآن که با شما صحبت می‌کنم به کمتر از ۹۰ نیروی انسانی رسیده است. تلاش کردم پیشکسوتان را حرمت بگذارم و از حضورشان استفاده کنم؛ چون حقیقتاً انتقال دانش و اساساً تجربه آنها در سینما، برای بنیاد سینمایی فارابی بسیار ارزشمند است. تلاش من و همکارانم این بود که طی این سال‌ها بخش عمده‌ای از بودجه پشتیبانی را به نفع حمایت از تولید کاهش دهیم، یعنی صرفه‌جویی کردیم و بودجه‌های پشتیبانی را به نوعی کاهش دادیم که بتوانیم آن پول را برای اینکه در عرصه تولید یا عرصه بین‌المللی یا عرصه‌های دیگر صنعت تصویر استفاده شود، پس‌انداز کنیم.

● تغییر رویکرد شما در برگزاری جشنواره‌ها چگونه بود؟

بنیاد سینمایی فارابی طی این سال‌ها به عنوان پشتیبان جشنواره فیلم فجر (هم فجر ملی و هم فجر جهانی) و جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان فعالیت داشته است. هم نیروی انسانی ما در بخش‌های مختلف این جشنواره‌ها درگیر بود و هم اینکه تجهیزات، ادوات، امور مالی و پشتیبانی به برپایی این رویدادها اختصاص پیدا کرد. البته این نکته را از یاد نبریم که مؤسسه رسانه‌های تصویری طی سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ در بنیاد سینمایی فارابی ادغام و برخی از وظایف آن مؤسسه به بنیاد منتقل شد. اموال منقول و غیرمنقول و دارایی‌های معنوی آن هم به بنیاد انتقال یافت.

● یکی از اقدامات شما در این دوره، طراحی و ارائه طرح تحول بنیاد سینمایی فارابی است. این طرح دقیقاً قرار است چگونه احیا و اجرا شود و چشم‌اندازی که شما با اجرای این طرح برای بنیاد سینمایی فارابی می‌بینید، چگونه خواهد بود؟

ما به نوعی در طرح تحول بنیاد سینمایی فارابی که این روزها سرگرم نهایی کردن آن هستیم، رویکردهای تازه‌ای را ترسیم کرده‌ایم. بر اساس این طرح، ما معتقدیم از آنجا که زیست‌بوم صنعت تصویر دچار تحول جدی شده، ما بایستی به رسانه‌های نوین بیش از گذشته توجه کنیم. ما از سال ۱۳۹۸ یک مدیوم جدیدی از آثار سینمایی به نام «وب‌سری» را مورد حمایت قرار دادیم. یعنی همان‌طور که فیلم حرفه‌ای سینمایی را حمایت می‌کنیم، از وب‌سری‌ها هم حمایت کردیم. این خود یک پیام به جامعه سینمایی است. بنیاد سینمایی فارابی که پیش‌تر صرفاً فیلم ۳۵ میلی‌متری یا فیلم اکران یا فیلم سینمای حرفه‌ای را مورد حمایت قرار می‌داد، الآن از ایده‌های خلاقانه برای تولید وب‌سری هم حمایت می‌کند. من در این سال‌ها همواره از طرح تحول و ضرورت آن حرف زدم. باید به این نکته اشاره کنم که برخی از تحولاتی که در این طرح مد نظر است مانند انحلال معاونت پشتیبانی بنیاد، کوچک‌سازی، چابک‌سازی، برون‌سپاری خیلی از فعالیت‌ها و نگاه تسهیل‌گرانه به سینمای ایران، توسط من و همکارانم طی این سال‌ها به اجرا درآمد. طبیعی است که متناسب با طرح تحول، ساختار جدید بنیاد سینمایی فارابی هم طراحی و اجرا می‌شود. ساختاری که متناسب با وظایف جدید و نگاه به آینده طراحی می‌شود.

● در واقع تحول به صورت تدریجی در حال رخ دادن است...

بله. در بنیاد سینمایی فارابی و اساساً در سینمای حرفه‌ای بیشتر نگاه به اثر است یعنی ما همه فرآیندها را طی کرده و تلاش می‌کنیم یک اثر تولید شود و بعد به پخش، اکران یا توزیع برسد. در نگاه جدید، ما معتقد هستیم که باید به منظومه‌ای از آثار سینمایی فکر کنیم. اگر در توجه ما به اثر، فیلمنامه نقش مهمی داشت، در نگاه ما به منظومه آثار سینمایی، ایده‌ها خیلی مهم هستند. ما از ابتدا باید ایده‌ها را دنبال کنیم و بتوانیم ایده‌های خوبی را پرورش و ارتقاء دهیم و آنها را تبدیل به فیلمنامه کنیم. اینها همه نیازمند یک سازوکار است. برخی از این تحولات باید در دو معاونت بنیاد سینمایی فارابی (معاونت فرهنگی و معاونت بین‌الملل) اتفاق بیفتد که دو بازوی اساسی بنیاد سینمایی فارابی هستند. نگاه فناورانه و زیرساخت‌های فناوری اطلاعات حتماً باید در بنیاد سینمایی فارابی ترویج و نهادینه شود که خوشبختانه این اتفاق افتاده است. ما در آغاز این راه، در این سال‌ها تلاش کرده‌ایم سامانه‌هایی را طراحی کنیم و از روش ثبت دستی و کاغذی و پراکندگی اسناد و تجارب، به سمت یک داشبورد مدیریتی حرکت کنیم.

● با این رویکرد به نظر می‌رسد توجه به حوزه فناوری اطلاعات در دوره اخیر بنیاد سینمایی فارابی اهمیت ویژه‌ای داشته است...

همین‌طور است. باید به سمتی می‌رفتیم که اسناد و اطلاعات با رفتن هر مدیر و آمدن مدیر

بعدی، به فراموشی سپرده نشود و بتوان به تأسی از این روش روزآمد، با تجزیه و تحلیل درست اطلاعات، سینما را مدیریت کرد.

● **این میزان تلاش برای روزآمدی در فرم و محتوا، در بخش‌های دیگر نقشه‌راه شما در این دوره مدیریتی هم ترسیم شده است. حرکت به سمت ایجاد مرکز شتابدهی و رویکردهایی از این دست... هدف شما از ترسیم این چشم‌انداز چیست؟**

ایجاد مرکز نوآوری و شتاب‌دهی در کنار بنیاد سینمایی فارابی با حضور جامعه مدنی، استارت‌آپ‌ها و متخصصان سینمایی یکی از راه‌حل‌ها و پیشنهادهای ما بود که سال ۹۶-۹۷ مطرح شد. ما با فراز و فرودهایی روبه‌رو بودیم و ابهاماتی وجود داشت اما در ادامه مسیر، این طرح دوباره به جریان افتاد. ما ساختمان میثاقیه را که قریب به سه دهه به عنوان معاونت پشتیبانی تولید بنیاد سینمایی فارابی فعال بود و دیگر اساساً آن معاونت وجود ندارد تحت عملیات نوسازی قرار دادیم و این مکان را برای فعالیت مرکز نوآوری و شتابدهی آماده کردیم. رویکرد این تشکل، شتابدهی آثار سینمایی با نگاه تسهیل‌گرانه و منظومه‌ای ترسیم شده است.

● **در اینجا نگاه منظومه‌ای به چه معناست؟**

شما به عنوان یک کارگردان، یک اثر سینمایی را می‌سازید و بعد به این فکر می‌کنید که به این جشنواره برود یا نرود، اکران بشود یا نشود. اساساً این دیدگاه در سینمای ما به همین شکلی است که بنده روایت می‌کنم چرا که فیلمسازی قائم به فرد و قائم به اثر است یعنی ما تک‌محصول‌های خوبی تولید می‌کنیم ولی این تک‌محصول‌ها در یک چشم‌انداز و منظومه وسیع تعریف نمی‌شوند. در نگاه تسهیل‌گر مرکز نوآوری و شتاب‌دهی سینما، ما قرار است به این فکر کنیم که ایده‌های خلاقه چیست؟ ما اینجا می‌توانیم به سمت حمایت از ایده‌های جسورانه‌ای برویم که خیلی‌ها جرأت و ریسک نمی‌کنند از این ایده‌ها حمایت کنند و برای تولیدشان سرمایه بگذارند. الآن استارت‌آپ‌هایی در فضای کسب‌وکار سینما وجود دارند که جایی برای قرار گرفتن در کنار سایر مشاغل سینمایی ندارند و مرکز نوآوری و شتابدهی جایی است که می‌تواند استارت‌آپ‌ها را در کنار مشاغل دیگر سینمایی قرار دهد و فکرها و ایده‌ها را به اشتراک بگذارند و در کنار هم، به هم‌افزایی برسند. ما قطعاً از دل این مراودات فکری، به محصولات جدید و خلاقانه‌ای در سینمای ایران خواهیم رسید. باید اعتراف کنیم سینمای ایران، هم در فرم و هم در نوع نگاه فیلمسازان از لحاظ خلاقیتی که سال‌هاست جهانیان بابتش به سینمای ایران توجه می‌کردند به یک دور، تکرار و سیکل تکرارشونده رسیده است. باید به این پرسش‌ها پاسخ داد که چرا سینمای مستند ما رشد کرده، اما بازاری برایش ساخته نشده است؟! چرا انیمیشن ایرانی طی سال‌های اخیر جزو دستاوردهای سینماگران و مدیران بوده اما به صورت سیستماتیک راهی به بازار جهانی نیافته است؟ تعریف اولیه مرکز نوآوری و شتابدهی اتفاقاً این است که باید از همان ابتدا و در حین ارائه طرح موضوع و ایده خلاقه‌ای که به ذهن تیم سازنده می‌رسد، به فکر بازاریابی این آثار بود. اینکه چطور صنایع مجاور بیایند و به توسعه بازار سینما کمک کنند. در

مرکز نوآوری و شتابدهی می‌توان با هم‌نشینی سایر زمینه‌های خلاقانه، مثل موسیقی، بازی‌های کامپیوتری، مد و لباس، صنعت نشر، صنعت نوشت‌افزار، عروسک‌سازی و... بازار گسترده‌ای را پیش‌بینی کرد و تدارک دید. همه اینها برای سینمای ایران، آورده خواهد داشت. اینها نکات و موضوعاتی است که سینمای ایران تجربه‌اش نکرده است و این همان نکته‌ای است که من درباره تولید تک‌اثرها در سینمای ایران مطرح کردم. همین الان به یک کارگردان عزیز سینما بگویند که یک بیزینس‌پلن قابل قبول برای فیلم سینمایی‌ات بنویس که ما بر اساس آن، برای فیلم تو جذب سرمایه کنیم، او ایده‌ای ندارد. شاید علتش این باشد که به این قضیه در سینمای ایران فکر نشده و شاید هم دانش آن وجود ندارد. مرکز نوآوری و شتابدهی کاری می‌کند که سینماگر ما از همان ابتدا با کسب دانش و مهارت لازم، با طراحی بیزینس‌پلن معطوف به بازار، کار خود را کلید بزند. یکی از آفت‌های سینمای ما در این سال‌ها، این بوده که بنا به شرایط فرهنگی، سیاسی، ممیزی آثار و مسائل مختلف، تهیه‌کنندگان و کارگردانان با اندیشه دستیابی به سود در تولید، فعالیت کرده‌اند درحالی‌که این طرز تفکر مطلقاً شما را به سمت بازارهای نو نمی‌برد. اصلاً شما فرصتی برای بازاری‌شناسی ندارید! انگار فیلم را برای مخاطبی می‌سازید که مجبور است آن را ببیند! طبیعی است که مخاطب محصولی را که بدون شناخت بازار هدف تولید شده، نبیند و به سمت دانلود فیلم و انیمشین و سریال خارجی برود. باور کنیم که ما با انواع رسانه‌های دیجیتال، شبکه‌های اجتماعی و سایت‌های دانلود فیلم مواجه هستیم و آنها رقبای جدی سینمای ما هستند. اگر سینمای ایران در چشم‌انداز آینده خود می‌خواهد اندیشه سود در تولید را کنار بگذارد، اگر مصمم است وارد بازارهای جدید شود و به سمت تولید مشترک واقعی با کشورهای خارجی و شرکت‌های مهم برود، چاره‌ای ندارد که دست به یک پوست‌اندازی جدی در روندها و فرآیندهای خود داشته باشد. مرکز نوآوری و شتابدهی سینمای ایران پاسخی به این نیاز است چرا که باید «زیست‌بوم سینما» را به «زیست‌بوم نوآوری» متصل کرد.



سی و هفت سالگی
بنیاد سینمایی
فارابی





آناهید آباد | کارگردان

چشمان باز

• شاید «بنیاد سینمایی فارابی» از پروژه‌ای حمایت کند که توفیق اقتصادی یا جشنواره‌ای نداشته باشد؛ اما فیلمی است که یک پرسوناژ را در یک اتاق به تصویر می‌کشد و چنین فیلمی بسیار خاص تلقی می‌شود، حمایت از چنین فیلمی به منزله حمایت از یک تجربه خاص است. این نوع حمایت‌ها از سوی یک نهاد سینمایی، قابل تأمل است.

• فارابی در این سال‌ها در زمینه ارتقای فنی سینما فعالیت‌های متمرکزی داشته است. یکی از کمبودهای اساسی این روزهای سینمای ما «فیلمنامه» است و بنیاد سینمایی فارابی باید بر ارتقای این مقوله اهتمام بورزد و ضعف فیلمنامه‌ها را جبران کند. این هدف را حتی می‌توان با برگزاری کلاس‌های خوب فیلمنامه‌نویسی هم جبران کرد یا یکی از ضعف‌های ما در صحنه‌آرایی است و بنیاد سینمایی فارابی می‌تواند در این زمینه‌ها به سینما کمک کند. از سویی ما در ایران زمینی زندگی می‌کنیم که پر از اقلیم‌ها و رنگ‌های مختلف است اما به آن‌ها پرداخته نمی‌شود و اگر چشمانمان را ببندیم و به تولیدات سینمایی یک سال اخیر نگاه کنیم چند بازیگر ثابت را در فضای داخلی در آثار مختلف می‌بینیم که چنین روندی حظ بصری مخاطب از سینما را به همراه نمی‌آورد. در این سال‌ها فارابی نسبت به این قضیه هم دغدغه داشته و این مقوله‌ها را می‌توان در تعریف کیفی فعالیت «بنیاد سینمایی فارابی» ارائه داد.

• گوشی‌های هوشمند سراپا بصیرت هستند، اما امروز سینمای ما از آن گوشی‌های هوشمند جا مانده است. «بنیاد سینمایی فارابی» باید درباره این موضوعات تلاش کند. برای مثال بحث امنیت آثار و قانون کپی‌رایت، چیزی است که بنیاد می‌تواند روی آن کار کند تا بدون آنکه سینما در دوران کرونا دچار سکت شود بتوان آثار را با امنیت و به راحتی اکران کرد.



پوریا آذربایجانی | کارگردان

حق و اعتماد

• فیلمسازانی که برای کار اول خود ایده و حرف دارند و بعد براساس آن ایده فیلم می‌سازند و یک شکل مثل بنیاد سینمایی فارابی از آنها حمایت می‌کند، نتیجه کارشان، قابل قبول خواهد شد و احساس می‌کنم حمایت بنیاد سینمایی فارابی از فیلمسازان مستقل روزهای طلایی‌تری را برای سینمای ایران رقم خواهد زد. اما برای این کار باید به توان مدیرعامل تشکلی مانند این بنیاد اعتماد کرد و به او آزادی عمل بیشتری داد. اگر این آزادی عمل وجود نداشته باشد، سینمای ما درجا خواهد زد. یعنی اگر مدیرعامل فارابی دائم نگران این باشد که بخواهد بابت حمایت‌اش از یک فیلمساز، به یکسری آدم دیگر جواب پس بدهد، نتیجه مطلوبی برای سینمای ما نخواهد داشت.

• خیلی‌ها وقتی فیلمساز می‌شوند به این فکر می‌کنند که یک جا هست که آنها را حمایت کند و اگر حمایت نکنند، تصور می‌کنند حق‌شان خورده شده اما من اینگونه فکر نکرده‌ام و به همین دلیل، طلبی از بنیاد سینمایی فارابی و سایر تشکلهای مشابه ندارم اما به نظرم اگر تشکلهای و بنیادهای سینمایی در حمایت از سینماگرانی که کارنامه مشخصی در عرصه سینما دارند، پیش‌قدم شوند و برنامه داشته باشند، بی‌توجه به وجوه تجاری سینما، مسیر درستی برای ادامه فعالیت حرفه‌ای آنها رقم خواهند زد.

• از مدیران تشکلی مانند بنیاد سینمایی فارابی می‌خواهم از زمان مدیریت خود به نفع سینما استفاده نکنند نه صرفاً اینکه پسند یکسری افراد را در نظر بگیرند، چرا که در نهایت این فیلم‌هاست که می‌ماند. به عنوان مثال هنوز هم فیلم‌هایی که اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰، فیلم‌های جذابی به نظر می‌رسند در حالی که شاید اصولاً یادمان نباشد که آن موقع چه کسی یا کسانی در رأس کار بوده‌اند اما فیلم‌ها هستند و در یادها مانده‌اند.

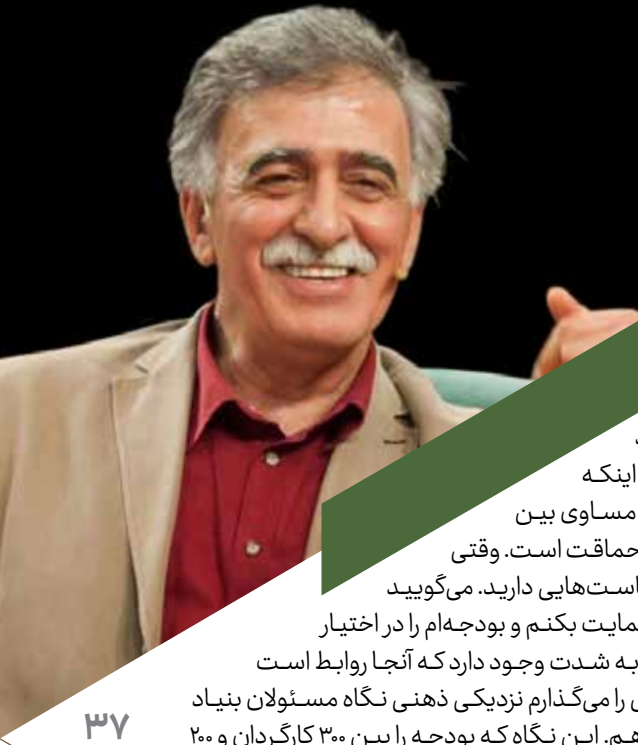
عبدالله اسفندیاری | فیلمنامه‌نویس
و تهیه‌کننده

سم سیاست‌زدگی



- ارتباطی که سینماگران ایرانی در دهه شصت با بخش فرهنگی فارابی داشتند، نوعی رفاقت تأثیرگذار بود. در حقیقت آن‌ها روی فارابی تأثیر می‌گذاشتند و فارابی هم روی آن‌ها و ارتباطی متقابل شکل می‌گرفت.
- توصیه می‌کنم که در آینده، بنیاد سینمایی فارابی از افرادی استفاده کند که از جنس فرهنگ و هنر هستند. آقای بهشتی از خانواده فرهنگ و هنر بود و هنوز هم در این خصوص در روزنامه‌ها مقاله می‌نویسد. او بیش از آنکه سیاسی باشد فرهنگی است و به گذشته و سربلندی ایران توجه می‌کند.
- مسئولان بنیاد سینمایی فارابی باید ذاتشان فرهنگی باشد. حضور افراد سیاست‌زده برای فرهنگ و هنر سم است. ضررهایی که ما کردیم حاصل روی کار آمدن افراد سیاسی در عرصه‌های فرهنگی بود که سعی می‌کردند چیزی را که تصور می‌کنند درست است، حاکم کنند. جامعه ما افراد فرهنگی بسیاری دارد؛ برای مثال آقای مسجدجامعی از این دست آدم‌هاست.
- ریشه کلمه طاغوت و معنای آن طغیان کردن آب است که از محل خود تجاوز و بسترهای دیگر را خیس می‌کند. طاغوت یعنی ارگان، سازمان، فرد و نیرویی که از بستر خود تجاوز کند و برای دیگر بسترها تعیین تکلیف کند. نفس سیاست، طاغوت است. طاغوت یعنی همه چیز را با نگاه سیاست دیدن و نمره دادن به همه چیز با نگاه سیاسی که می‌تواند بسیار ویرانگر باشد. حتی بسیاری از خوبان ما تحت تأثیر این تفکر قضاوت‌های بد کردند. یکی از دوستان که ابتدا با ما بد بود و بعد دوست ما شد و در جشنواره فجر با ما همکاری کرد، شهید آوینی بود. ببینید آقای آوینی در مورد فیلم «مادر» علی حاتمی چه می‌گوید؛ تعجب می‌کنید که آیا این‌ها را آوینی گفته است؟! در آن دوران سیاست‌زدگی حاکم بود که آوینی این‌طور قضاوت می‌کرد. یکی از بهترین فیلم‌های تاریخ سینمای ایران بعد از انقلاب فیلم «مادر» علی حاتمی است. این اثر یکی از زیباترین فیلم‌هاست که مرگ را با نگاهی تصویر می‌کند که به تفکر اسلامی نزدیک است. سیاست‌زدگی سم است و باید با آن مقابله کرد. البته می‌توان سیاسی بود و نگاه سیاسی داشت اما باید تعادل را حفظ کرد.

مسئله عدالت



۳۷

کتابت

سی و هفت سالگی بنیاد سینمایی فارابی
فرازا، فرودها، افق‌ها

- در ایجاد ذهنیت منفی علیه بنیاد سینمایی فارابی باید نگاه‌ها را شناخت. این نگاه‌ها که بگوئیم عدالت یعنی اینکه بنیاد فارابی بودجه سالیانه‌اش را بایستی به نسبت مساوی بین همه تقسیم کند؛ عدالت نیست و به اعتقاد من این حماقت است. وقتی شما می‌گویید من نقش حمایتی دارم، حتماً یک سیاست‌هایی دارید. می‌گویید من از این نوع فیلم‌ها و از این نوع نگاه می‌خواهم حمایت بکنم و بودجه‌ام را در اختیار این نوع فیلم‌ها قرار می‌دهم. این نگاهی که بیرون به شدت وجود دارد که آنجا روابط است و باندبازی؛ من اسم آن را باندبازی نمی‌گذارم. اسمش را می‌گذارم نزدیکی ذهنی نگاه مسئولان بنیاد به من فیلمساز یا به فیلمنامه‌ای که من ارائه می‌دهم. این نگاه که بودجه را بین ۳۰ کارگردان و ۲۰ تهیه‌کننده تقسیم کنید، مدیریت نیست و فقط بر باد دادن سرمایه است.
- در یک مقطع یک ذهنیت در بنیاد سینمایی فارابی ایجاد شد که به فیلم‌هایی که می‌دانیم برگشت دارد و پرفروش است، وام بدهیم! این در حالی است که آن فیلم‌ها نیازی به وام ندارند. ما باید برای کشف استعدادها و جدید انرژی بگذاریم. ما اتفاقاً باید برای حمایت از فیلم‌هایی که فکر می‌کنیم جنبه‌های فرهنگی، ملی و ارزشمندی دارد ولی ممکن است بخش خصوصی روی آنها سرمایه‌گذاری نکند، اقدام کنیم. در همه جای دنیا هم نهادها و مؤسسات مشابه بنیاد سینمایی فارابی، خیلی دنبال سوددهی نیستند بلکه دنبال آن هستند که کدام بخش از سینما مشکل دارد و کجای قضیه زمین مانده و ما برویم به آنجا کمک کنیم و آن را به حرکت بیندازیم. اما این نگاه حمایتی نباید در هر دوره‌ای از بنیاد گرفته بشود و خدای نکرده بنیاد به این سمت برود که اگر روی چهار فیلم سرمایه‌گذاری کند، پولش ۵ برابر می‌شود! این ذهنیت می‌تواند نقش مخرب و در واقع خیلی خطرناکی برای سینما داشته باشد.
- از گذشته تا امروز، اگر حمایت بنیاد سینمایی فارابی نبود، بسیاری از فیلم‌های خوب سینمای ما ساخته نمی‌شد. امیدوارم مدیران آینده، همسانی را با شرایط زمانه درک و بتوانند نقشی جدید برای خود تعریف کنند. باید پذیرفت که میزانشن سینما دارد عوض می‌شود، آنها باید جایشان را در این میزانشن پیدا کنند. فقط این را می‌گویم که با هر سیاستی که در پیش می‌گیرند، نقش حمایتی بخش فرهنگی سینما را از یاد نبرند چرا که این حمایت نباید مغفول واقع شود. طبیعتاً هر هیئت‌مدیره یا هر هیئت امنایی که در بنیاد بیايد، نگاه و دیدگاه دارد. ممکن است نگاه مدیران بعدی بنیاد سینمایی فارابی اساساً با نگاه من همخوانی نداشته باشد اما من نمی‌توانم آن موقع علم مخالفت بردارم که چرا او دارد از دیدگاه خودش حمایت و پیروی می‌کند و سعی می‌کند بودجه‌اش را در اختیار فیلمساز مورد علاقه خودش بگذارد. این خیلی طبیعی است. باید یک مقدار مسائل شخصی را سوا کنیم و کنار بگذاریم و یک مقدار کلان‌تر به قضیه نگاه کنیم.



حبیب اسماعیلی | تهیه‌کننده،
پخش‌کننده و بازیگر

مسئولیت‌ها و دغدغه‌ها

• یکی از مراکزی که می‌تواند به سینمای ایران - چه از طریق وام و چه از طریق شراکت - کمک کند، بنیاد سینمایی فارابی است. اگر در گذشته شیوه حمایت فارابی بنا به مقتضیات قدیم، متفاوت بود و به هر فیلم وام یا تجهیزات داده می‌شد، امروز شیوه حمایتی بنیاد سینمایی فارابی از فیلم‌ها متفاوت از دیروز است و به عنوان بازوی حمایتی سینما، مسئولیت بخش فرهنگی این بنیاد زیاده‌تر شده است. اما این مسئولیت در فیلمساز و تهیه‌کننده بخش خصوصی هم باید وجود داشته باشد.

• به عنوان مثال من وقتی قرار بود یک فیلم کودک را با مشارکت بنیاد سینمایی فارابی بسازم، شاهد بودم فیلم‌هایی آمدند با بنیاد قرارداد بستند و تولید شدند و دست آخر رنگ پرده را هم ندیدند اما من با دو سه فیلمنامه‌نویس مختلف صحبت کردم تا بتوانیم فیلمنامه را به جایی برسانیم که نتیجه کیفی جذابی داشته باشد. این در حالی بود که خیلی‌ها به من می‌گفتند فیلمت را بساز و بیشتر سهمش هم سهم بنیاد فارابی است و پولت را

می‌گیری و...! اما نگاه من، هیچ‌گاه آنطور نبوده است. من در مقطعی قرار شد تا در بنیاد مستضعفان به تهیه و تولید فیلم بپردازم. هفت، هشت فیلم خوب مثل «طلسم»، «ترنج»، «زندگی»، «اتوبوس»، «گمشده» و «تصویر آخر» را تولید کردیم. اینها همه در یک سال ساخته شدند. نگاه من نگاهی نیست که بگویم حالا می‌روم در یک مرکز دولتی فیلم می‌سازم و برایم مهم نباشد که این فیلم با چه کیفیتی ساخته شود و هر اتفاقی که می‌خواهد بیفتد برایم مهم نباشد!

- باید برای سرمایه ارزش قائل شد مگر اینکه سرمایه متعلق به آدمی باشد که مشروعیت ندارد. جز این، معتقدم باید برای سرمایه افرادی که وارد سینما می‌شوند، ارزش قائل شویم تا در سینما بمانند و اگر هم با یک نهاد یا تشکل همکاری می‌کنیم باید با نگاه کیفی کار کنیم و فیلم‌هایی بسازیم که برگشت سرمایه داشته باشند.

- خیلی‌ها توقع دارند بنیاد سینمایی فارابی از همه سینما حمایت کند و به همه پول بدهد و به عبارتی پول‌ها را تقسیم کند که این در مقیاس با شرایط فعلی شدنی نیست. در شرایط حاضر اینکه من که پول می‌گیرم از بنیاد تعریف کنم و کسی که نمی‌گیرد عملکرد بنیاد را نقد کند هم منطقی نیست... اگر یک آیین‌نامه مدون وجود داشته باشد، کاربردی‌تر است. یعنی اگر مثلاً فرداً آمدند فیلم من را کمتر حمایت کردند و فیلم دیگری را بیشتر، وقتی ماحصل کار ارزیابی شد، آن وقت است که فارابی می‌تواند سربلند شود و از شیوه ارزیابی خود در حمایت از آثار دفاع کند! یعنی بگویم من اگر به این فیلم بیشتر کمک کردم به این دلیل بود که می‌بینید خیلی موفق شده و در جشنواره‌ها شرکت کرده و جوایزی به دست آورده است ضمن آنکه در اکران عمومی هم موفق شده است.

- بهترین شیوه برای حیات مؤثر و فعال بنیاد سینمایی فارابی، وجود قانون مدون و وابسته نبودن مدیریت آن به تغییر و تحولات دولت‌هاست. اگر مدیری که خوب کار می‌کند با یک شرایط باثبات و آیین‌نامه قرص و محکم روبه‌رو باشد در دهه پیش رو، در دوره‌ای که کرونا را تجربه کردیم و ممکن است اتفاقات مشابه دیگری را پیش رو داشته باشیم، بهتر می‌تواند مدیریت کند و در نهایت سینما بهتر از این می‌تواند به شکوفایی و رونق برسد.



محمد رضا اصلانی | کارگردان

موازنه و مُد

• امروزه در دانشکده‌ها همچنان تکنیک و یکسری آموزه‌های اوایل قرن بیستم را به دانشجویان تحویل می‌دهند، در حالی که آنها اغلب با انگیزه وارد شدن به بازار کار وارد این دانشگاه‌ها می‌شوند نه به انگیزه فهم ایدئولوژیک یا فهم فرهنگی از جهان. یعنی در واقع جهان بینی ندارند و به آنها جهان بینی داده نمی‌شود. بنیاد سینمایی فارابی می‌تواند اول این زمینه را فراهم کند و اولین کارش این باشد و برای کار دومش، بنا را بر توجه به ساختار فیلمنامه‌ها بگذارد تا در داستان‌گویی مان، مثل امروز دچار مشکل و معضل نباشیم... باید این زمینه فراهم شود که به تدریج، ما فیلم‌سازی داشته باشیم که فهم تصویر داشته باشند. یک سینماگر اگر نقاشی نداند، اگر گرافیک نشناسد و اگر میزانشن نداند و تئاتر را نشناسد، نمی‌تواند میزانشن سینمایی معناداری را ایجاد کند. این بایستی شکل بگیرد و همین‌طوری نمی‌شود که داستانی را سرهم کنیم و یا سناریو را خط به خط فیلم کنیم. اینها اصلاً سینما نیست. بدون اشراف به این مسائل، ما نمی‌توانیم یک نهاد فرهنگی را سامان بدهیم و سامانی به وجود نخواهد آمد. هرچقدر هم سرمایه‌گذاری شود... حیف است که این نهاد تبدیل به یک مرکز اجاره وسایل شود یا حتی وسایلی را هم کنار بگذارد و فقط مرکز اداری سینما باشد...

• سرمایه‌های بانکی به ناگزیر سینما را تجاری می‌کنند، چون باید این سینما پول خودش را دربیاورد. چه فیلمی پول خودش را درمی‌آورد؟ سینمایی که به شدت بتواند با ابتذال بخش عامی جامعه هماهنگ باشد. این یعنی به جای اینکه سینما، جامعه را هدایت بکند، این جامعه عامی است که سینما را هدایت می‌کند و اینجا خطری که به وجود می‌آید، این است که سینما روز به روز مبتذل‌تر می‌شود و برای اینکه هرچه بیشتر به فروش دست یابیم باید هرچه بیشتر مبتذل‌تر بشویم تا بتوانیم وام بانک را پس بدهیم چون بانک بازگشت سرمایه و بازگشت سود می‌خواهد؛ یعنی درواقع از یک تولید فرهنگی، سود می‌خواهد و این خیلی خطرناک است. این نه تنها برای سینما مفید نیست بلکه در واقع نقطه مقابل یک سینمای فرهنگی است و در عین حال سینمای تجاری حق دارد که از بانک‌ها وام بگیرد و با بانک کار کند و اصلاً باید هم این کار را بکند همان‌طور که

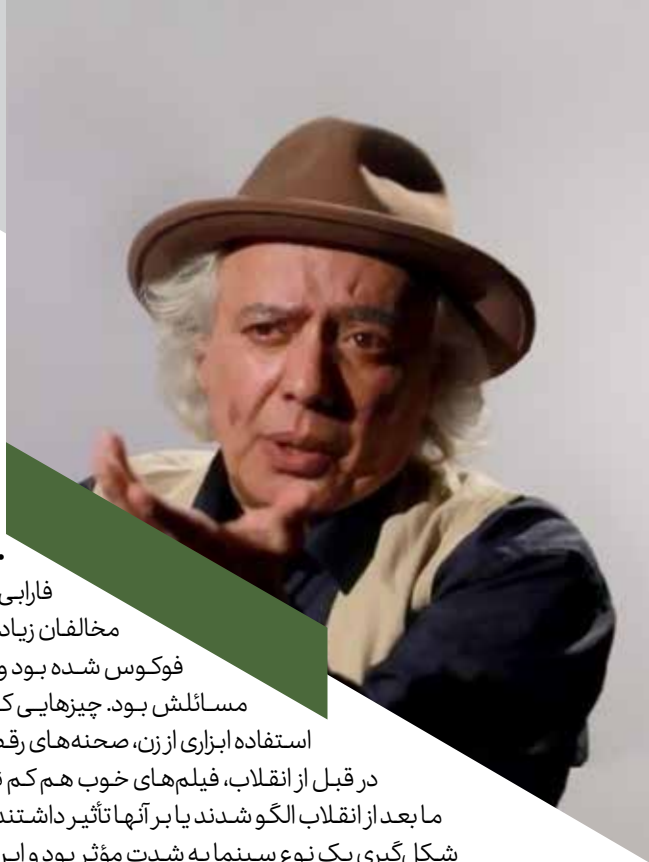
هالیوود این کار را می‌کند، ولی هالیوود یک نهاد مستقل خودگردان است. نهادهی نیست که دولت به آن کمک کند. دولت هیچ کمکی به هالیوود نمی‌کند. دولت از هالیوود کمک می‌گیرد به جای اینکه به هالیوود کمک کند.

• مسئله این نیست که امید به بازگشت سرمایه داشته باشیم. بازگشت سرمایه در درازمدت می‌تواند باشد. مسئله، ارزش اضافی است. هر تولیدی باید ارزش اضافی داشته باشد و اگر ارزش اضافی نداشته باشد تولید محسوب نمی‌شود، اما ارزش اضافی فقط امر مالی نیست. ما یک جایی ارزش اضافی فرهنگی ایجاد می‌کنیم. یک جا ارزش اضافی مالی اضافه می‌کنیم. اینها با هم موازنه می‌شوند. شما فکر می‌کنید در هالیوود که در آمریکا سالی حدود ۷۰۰ فیلم ساخته می‌شود، آیا ۷۰۰ فیلم همه فروش می‌کند؟! نمی‌کند. یک شرکت که مثلاً در سال ۱۰۰ فیلم می‌سازد، ۱۰۰ فیلمش فروش می‌کند؟ او از ۵ فیلمش که فروش می‌کند، بقیه را جبران می‌کند. این جبران‌ها باید با هم موازنه بکنند. این نیست که ما بخواهیم همه فیلم‌ها باید بار مالی و ارزش افزوده مالی داشته باشند. یکی ارزش افزوده فرهنگی دارد. یکی ارزش افزوده اخلاقی دارد. یکی ارزش افزوده ایدئولوژیک دارد. یکی ارزش افزوده مالی دارد. اینها با هم موازنه می‌شوند. این موازنه است که باید به وجود بیاید.

• من نمی‌گویم که فیلم‌های فرهنگی ما نباید فروش کند؛ اما این فروش مستلزم چیست؟ مستلزم پشتیبانی (پشتیبانی تبلیغاتی) است. اگر فرهنگ در جامعه ما مُد نیست، باید فرهنگ را مُد کنیم. یک وقتی فرهنگ در جامعه ما مُد بود. مثال مُد این بود که جوان‌های ما کتاب فاکنر را بخوانند و زیر بغلشان بگیرند. الآن مد نیست که کسی کتاب فاکنر را زیر بغل بگیرد یا مثلاً رساله‌های سهروردی مُد بود که زیر بغل یک جوان باشد و جوان به آن افتخار می‌کرد. الآن این جوان، افتخاری به این موضوع نمی‌کند. افتخار می‌کند به اینکه چند تا موبایل یا اتومبیل دارد!

• مد کردن فرهنگ، کار دولت است. دولت باید فرهنگ را در جامعه مُد کند. وقتی شما در تلویزیون یا در رسانه‌ی رسمی دولت در تمام برنامه‌هایش حتی یک جلد کتاب نمی‌بینید و در سریال‌هایی که از تلویزیون پخش می‌شود یک جلد در اتاق‌هایشان نمی‌بینید، چگونه می‌توانید در واقع فرهنگ فروش کند! اینها باید با همدیگر هماهنگ بشوند. ما نمی‌توانیم به زور یک چیزی را بفروشیم یا به زور یک چیزی را نفروشیم. اصلاً قضایا اینگونه نیست. این یک مکانیزم دارد و مکانیزم فرهنگ یک مکانیزم جامع است. فرهنگ اصلاً مکانیزم انحصاری نیست. شما باید تبلیغ کنید تا مخاطب در جامعه این موضوع را به عنوان یک مُد بپذیرد حتی اگر نفهمد و حتی به فرهنگ متظاهر بشود. به این ترتیب است که نسل‌های جدید فرهنگی به وجود می‌آید و گرنه به وجود نمی‌آید. این کاری است که به نظرم بنیاد سینمایی فارابی می‌تواند کاملاً آن را انجام بدهد، می‌تواند در آن سرپرستی کند، می‌تواند هدایت بکند و حتی برنامه بدهد. از اینجا باید برنامه‌ریزی انجام شود. اینجا مثل سازمان برنامه و بودجه که برای اقتصاد مملکت، برنامه‌ریزی می‌کند، برای فرهنگ و اقتصاد سینما برنامه نوشته شود و گرنه سینمای تجاری و سینمای ایدئولوژیک هر دو متولی خودشان را دارند و احتیاج به متولی ندارند. آنها متولی دارند و کارشان را می‌کنند و ما هم نمی‌توانیم بگوییم آنها نباشند. نه تنها نمی‌توانیم بگوییم آنها نباشند که حتی بودن آنها ضروری است. اما هیچ لزومی ندارد ما به این دو، یک بار دیگر هم اضافه کنیم. ما باید بتوانیم موازنه را با آنها ایجاد بکنیم. این موازنه الآن وجود ندارد. این موازنه کاری است که یک نهاد مثل بنیاد سینمایی فارابی می‌تواند انجام بدهد.

فصل‌ها و رنگ‌ها



• دوره مدیریت «سیدمحمد بهشتی» در بنیاد سینمایی فارابی دوره خیلی سختی بود. شروع ماجرا بود و خب سینما مخالفان زیادی در جاهای مختلف داشت. همه نگاه‌ها روی سینما فوکوس شده بود و تصورشان از سینما، سینمای قبل از انقلاب با همه مسائلش بود. چیزهایی که در سینمای قبل از انقلاب در ذهنشان مانده بود؛ استفاده ابزاری از زن، صحنه‌های رقص و آواز در کافه و... که در بهترین فیلم‌های ما هم بود. در قبل از انقلاب، فیلم‌های خوب هم کم نداشتیم؛ فیلم‌هایی که حتی برای فیلمسازهای خوب ما بعد از انقلاب الگو شدند یا بر آنها تأثیر داشتند. زنده یاد «عباس کیارستمی» یکی از کسانی است که در شکل‌گیری یک نوع سینما به شدت مؤثر بود و این چهره شاخص و مطرح، مشخصاً تحت تأثیر سینمای «سهراب شهید ثالث» بود. در زمینه‌های دیگر هم بخواهیم بررسی کنیم، فیلم‌هایی قبل از انقلاب داشتیم که قابل دفاع و قابل تکیه باشند ولی وجه قالب نبودند و آن وجه قالب زیاد قابل دفاع نبود. در این شرایط، آقای بهشتی و آقای انوار در آن دوره اول سینمای پس از انقلاب با نگاه مخالفان سینما چالش داشتند و گویی بعد از انقلاب، سینمای ایران دوباره اختراع شد و دو مرتبه شکل گرفت. چیزهایی که زیادی و اضافه بود از فیلم‌ها رفت و اتفاقی هم نیفتاد.

• دهه‌ی ۷۰ در سینمای ما دوره مهمی است و سینمای دهه ۶۰ هم خیلی مخالف دارد؛ ولی من جزو کسانی هستم که تصور می‌کنم آقای بهشتی و همکارانشان کمک کردند به اینکه سینما سرپا بماند و بتواند ادامه پیدا کند و ما میوه‌های آن نهال کاشته شده را در دهه ۷۰ و در شرایطی می‌بینیم که جنگ تمام شده و جامعه به یک آرامش رسیده است. چنانچه اگر بخواهیم در این چهار دهه دست به بررسی بزنم، سینمای دهه ۷۰ و ۸۰ را قوی‌تر، بهتر و پاک‌تر و فرهنگی‌تر می‌بینم و این می‌تواند مدیون مسئولان سال‌های اول معاونت سینمایی و بنیاد سینمایی فارابی باشد.

• آینده بنیاد سینمایی فارابی، به آینده کل سینما بستگی دارد و این خود باز بستگی به آینده جامعه دارد. سینما به دلایل مختلف، به لحاظ فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی با جامعه مرتبط است و حال جامعه اگر خوب باشد، حال سینما خوب خواهد بود. سینما نسبت به هنرهای دیگر، هنر گرانی است. در همین حد و اندازه فعلی هم مخارج آنقدر بالاست که بسیاری از سوژه‌ها به دلیل نبود سرمایه ساخته نمی‌شود. خب این سرمایه را چه کسی باید تأمین کند؟ فارابی می‌تواند با ارزیابی درست این کار را بکند. من البته هیچ استفاده مالی خاصی از فارابی نبردم، اما دو، سه بار شده که مشورت‌های مسئولان فارابی به فیلمنامه من کمک کرد و البته شده که اتود کارم را دیدند و گفتند آن را نساز و «به مصلحت نیست!». به هر حال من همه رنگی از فارابی دیدم. هم رنگ خوش آن را دیدم و هم رنگ ناخوش آن را. با این وجود همچنان فکر می‌کنم حضور فارابی برای ادامه حیات سینمای ایران لازم است.

احمد امینی | کارگردان و منتقد فیلم

تعیین تکلیف!

• در این سال‌ها بارها به بنیاد سینمایی فارابی مراجعه کرده‌ام و فیلمنامه داده‌ام اما بارها به نتیجه نرسیده‌ایم و همکاری صورت نگرفته است. طبیعتاً در طول تمام این سال‌ها به عنوان یک مطبوعاتی و آدمی که در مجله سینمایی می‌نوشتیم و در جریان امور بودم و بعد به عنوان فیلمساز، در جریان فعل و انفعالات و فعالیت‌ها و رفت‌وآمد مدیران مختلف فارابی بودم. موفقیت‌هایش خوشحالم کرده و احياناً اگر فیلمی ساخته که ناموفق بوده، برای آن تولید واکنش داشته‌ام. اما اتفاقاتی که در فضای مجازی رخ می‌دهد، مسئله‌ای نیست که فقط مبتلا به فارابی باشد. فضای مجازی دستخوش جنجال‌ها و شلوغ‌بازی‌های مثبت و منفی است و فقط فارابی نیست که گرفتار این ماجراست... باید شرایط را پذیرفت. من اگر فیلمنامه‌ای به فارابی داده‌ام و برای ساختنش به نتیجه نرسیده‌ایم اینگونه نبوده که آن را جایی بازگو کنم چون اهل شلوغ‌بازی نیستیم. اما شاید بعضی‌ها با این شلوغ‌بازی‌ها به نتیجه می‌رسند. من اهلش نبودم و نکردم. ولی این مدل رفتار همیشه وجود داشته و جلوی راهم نمی‌شود گرفت. حالا مثلاً این معنا را دارد که آدم اگر نمی‌تواند حقیقت را در دنیای واقعی بگیرد، بتواند حقیقت را در فضای مجازی بگیرد! این بیشتر بستگی به روحیات آدم‌ها و کسانی دارد که می‌آیند و می‌روند.

• در یک مقطع زمانی اگر کسی پروانه ساخت می‌گرفت، بدون ارتباط با بنیاد سینمایی فارابی اصلاً نمی‌توانست فیلم بسازد، چون تمام وسایل و ابزار اصلی همیشه در فارابی بوده و همه در نوبت بودند؛ یعنی بدون کمک تجهیزاتی فارابی (حالا جدا از کمک‌های مالی) اصلاً فیلمی ساخته نمی‌شد. ولی سال‌هاست که با تغییر شکل سینما، این قضیه منتفی شده است و خیلی از تهیه‌کننده‌ها خودشان دوربین دارند یا جوان‌ترها با دوربین‌های عکاسی کار می‌کنند و با موبایل فیلم می‌سازند. به هر حال این اتفاقی است که در این چند ساله افتاده است. از سویی این تغییر شکل، موجب شده تا به یکسری فیلم کمک شود و به یکسری دیگر نه، و شفاف‌سازی‌ها تا اندازه زیادی تأثیر مثبت روی هر دو طرف می‌گذارد؛ یعنی وقتی از طریق این فهرست‌ها، میزان کمک‌هایی که افراد از فارابی گرفته‌اند، منتشر می‌شود، من فیلمساز را روشن می‌کند و از سویی، از آن به بعد گله‌گذاری‌ها هم شروع می‌شود که این فیلم چه داشت که شما برایش آنقدر پول دادید و... و به همین اندازه، تصمیم‌گیرندگان در فارابی را هم یک مقدار ملزم می‌کند که با دوراندیشی و احتیاط و تأمل بیشتری سمت مشارکت یا تولید بروند. امیدوار هستم که این شفاف‌سازی‌ها ادامه داشته باشد و تکلیف ما را روشن‌تر کند. یعنی به جایی برسد که من تشخیص بدهم که آیا مثلاً فیلمنامه‌ای که نوشته‌ام، می‌تواند کمکی را در فارابی جذب بکند یا نه. که اصلاً به فارابی مراجعه کنم یا نه، دنبال تهیه‌کننده بخش خصوصی بگردم.



داریوش بابائیان | تهیه‌کننده

بازنگری برای فردا

• خیلی‌ها؛ خودم و دیگران که مریض سینما هستیم، عشق به جشنواره رفتن نداریم، عشق به این نداریم که ماشین‌مان را ببریم در حیاط فارابی پارک کنیم، ولی کارمان، عمرمان و زندگی‌مان را در این راه گذاشته‌ایم. من افتخار می‌کنم که به یک مسیر فرهنگی پا گذاشتم. اصلاً کاری به محتوا، بد بودن یا خوب بودن و اینکه حالا بخواهند فیلم را کارشناسی کنند، ندارم. اما این حضور اثرگذار است. من ۱۴ فیلم کودک ساختم و همین الان کسانی هستند که ۲۰-۲۲ سالشان است و می‌گویند ما تولید دهه شصت شما را ۱۰ سال پیش دیده‌ایم. این نشان می‌دهد که بعد از ما هم این فیلم‌ها دیده خواهد شد، می‌ماند و ماندگار است.

• من الان عضو شورای مرکزی مرکز توسعه سینمای کودک و نوجوان هستم. دوست ندارم که وقتی را بگذرانم ولی عاشق سینمای کودک هستم. معتقدم که سینمای کودک را بنیاد فارابی باید در بر بگیرد. یکسری جوان و یکسری باتجربه را که در شوراهای قبلی نبودند، در شوراهای قرار دهد. ۹۵ درصد فیلمسازانی که می‌خواهند وارد سینما بشوند، عاشق این هستند که با سینمای کودک وارد شوند. انشاءالله که بنیاد سینمایی فارابی با یک رجوع و بازنگری، بتواند در آینده هم جایگاه و پایگاه خوبی داشته باشد.



روح‌الله برادری | تهیه‌کننده

اهمیت بازخورد

• برخی معتقدند که بنیاد سینمایی فارابی کار استراتژیک نکرده است و کارهایی که تولید می‌شود بیشتر جنبه آرטיستیک دارند تا استراتژیک؛ من این حرف را قبول ندارم و فیلم‌های خوبی طی این سال‌ها در این زمینه ساخته شده است. اگر تولید پروژه‌های استراتژیک خوبی به بنیاد سینمایی فارابی پیشنهاد می‌شد، بعید می‌دانم که از آن استقبال نمی‌کرد... البته شاید بتوان این نگاه را داشت که روند کار نباید همیشه اینطور باشد که افراد به فارابی مراجعه کنند و تقاضای همکاری داشته باشند بلکه فارابی باید افراد و فیلم‌های خوب را رصد کند و از کسانی که کارهای خوبی در زمینه سینمای استراتژیک انجام داده‌اند (مانند مهدویان، ملکان، حاتمی‌کیا و...) بخواهد که با پیشنهاد خودشان، پروژه‌هایی را با فارابی کار کنند. البته این اتفاق تا حدی افتاده است و اگر ادامه یابد اتفاق خوبی است، ضمن آن که کارهایی که نیت خیر داشته باشند و خدا در آن‌ها بیشتر دیده شود، برکت همراه آن‌ها خواهد بود. زمانی که فیلم سینمایی «مریم مقدس» اکران شد بسیاری می‌گفتند که فروش نمی‌کند اما فروش بالایی داشت. فارابی اگر در حال و هوای فیلم‌های معناگرا گام بردارد قطعاً خیر و برکت همراه فیلم‌ها خواهد بود.

• به عقیده من کاری فاخر است که با بودجه کم ساخته شده و بازخوردهای بسیاری داشته باشد. اینکه کاری با کیفیت بسیار بالا و رقم معقولی ساخته شود کاری استراتژیک است که هم دنیا و هم آخرت را داشته باشد. کار استراتژیک کردن فقط این نیست که به کسی ۵۰ یا ۱۰۰ میلیون بودجه بدهیم و انتظار یک خروجی داشته باشیم، بلکه باید بازخورد این کار را به لحاظ ابعاد داخلی و جهانی بررسی کنیم. سریال «یوسف پیامبر» توسط فرج‌الله سلحشور ساخته شد در حالی که بسیاری از دوستان، کار آقای سلحشور را از لحاظ فکری، فرهنگی و فنی به چالش کشیدند، این در شرایطی است که سریال «یوسف پیامبر» بارها از تلویزیون ایران پخش شده است و هنوز هم مردم به روابط عمومی صدا و سیما پیامک می‌زنند و درخواست بازپخش این سریال را دارند.



مریم بحرالعلومی | کارگردان

به نفع آینده

• توجه بنیاد سینمایی فارابی در حمایت از فیلمسازان نوجو و جدید در نوع خود اتفاقی مثبت به نفع آینده سینمای ایران است که باید آن را ارزشمند تلقی کرد. پیشنهاد من برای تداوم این حمایت در آینده، تشویق نسل جوانی است که علاقه‌مند به تولید آثار حرفه‌ای کم هزینه هستند. من فکر می‌کنم فارابی می‌تواند فیلمسازان را انتخاب کند و البته این انتخاب بهتر است سفارشی نباشد، بلکه از میان کسانی که مشغول به کارند و در حال اثبات خود هستند، فارابی می‌تواند در یک بخش برای تولید آثار کم هزینه، آنها را در یک فهرست رده‌بندی کند و در یک بستر وسیع، انتخاب‌کننده باشد.

• یکی از مسائل موجود در سینمای ما، مشکلات در حوزه «فیلمنامه» است، اما به نظر می‌رسد ناظران و ارزیابان در این بخش بسیار سخت‌گیرانه عمل می‌کنند و گاه شاهد برخوردهایی هستیم که تنها از نگاه سلیقه‌ای نشئت می‌گیرد و در بسیاری از مواقع، این برخوردها ضربه‌زننده هم بوده است. وقتی «بنیاد سینمایی فارابی» فهرستی از فیلمسازان جوان توانمند در اختیار داشته باشد، خودش می‌تواند به آن دسته از فیلمسازان منتخب، فیلمنامه، سوژه و طرح ارائه دهد.



عادل تبریزی | کارگردان

سینمایی‌ها و غریبه‌ها

• سیستم مدیریتی بنیاد سینمایی فارابی به شکلی است که به چراغ امید کسانی بدل شده که می‌خواهند فیلم اول بسازند و به آنها یک نور امید را نشان می‌دهد؛ به کسانی که مسیرهای لازم را طی کرده‌اند و این شایستگی را دارند در هر ژانری و در دنیای شخصی خودشان فعالیت کنند. این با متر و معیارهای مشخصی نسبت به ارزیابی شخصی و توانایی‌های سینمایی یک فرد همراه است.

• در سینمای ایران اگر یک دستیار کارگردان، یا یک عکاس بخواهد فیلم اولش را بسازد همه او را برحذر می‌دارند و به او می‌گویند کسی به تجربه‌های تو بها نمی‌دهد اما گاه شنیده‌ام و دیده‌ام که یک غریبه که در سینما کسی او را نمی‌شناسد وارد می‌شود و مسیر برایش هموارتر است! انگار سیستم سینمای ایران راه غریبه‌ها را بیشتر برای فیلم ساختن باز می‌کند. مثلاً شخصی از دستیار کارگردان‌های قدیمی سینما فیلم کوتاه ساخته و دستکاری کرده و خیلی از بچه‌هایی که عمر و جوانی‌شان را گذاشتند و مسیر درست را طی کرده‌اند و فیلمنامه‌های خوبی دارند. آنها سالهاست دارند می‌جنگند که فیلم بسازند و هنوز نتوانسته‌اند فیلم اول سینمایی‌شان را بسازند. این مرکز، پراز درخت و معماری زیبا؛ باید زیبایی و انرژی‌اش را سمت بچه‌هایی بفرستد که می‌خواهند فیلم بسازند و وارد سینما بشوند.

• در کنار تازه‌نفس‌ها، قدیمی‌ها هم باید به جا آورده شوند و این البته مدیریت را سخت می‌کند و این سؤال را هم به میان می‌آورد که چرا باید دغدغه یک پیشکسوت سینما برای پیدا کردن سرمایه‌گذار به اندازه دغدغه عادل تبریزی باشد؟! استعداد و فیلم خوب ساختن، تضمینی برای تداوم فعالیت در سینمای ایران نیست. «واروژ کریم مسیحی» سازنده فیلم درخشان و ماندگار «پرده آخر» بعد از ۱۸ سال توانست فیلم بسازد و الآن باز بعد از ۱۲ سال نتوانسته است فیلم بسازد. این خیلی تلخ است!

کمال تبریزی | کارگردان

فرمول غیر ریاضی



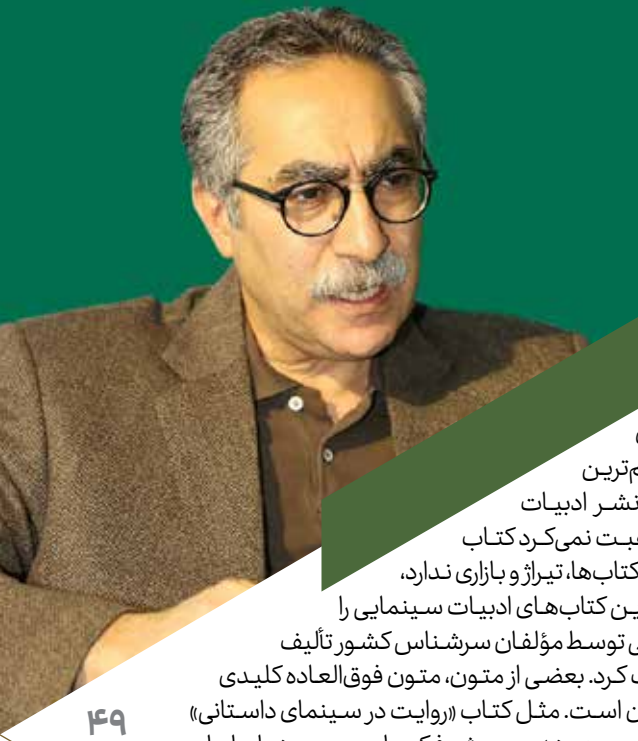
• در دهه شصت و هفتاد، امکاناتی که بنیاد سینمایی فارابی داشت، منحصر به فرد بود و اگر شما می‌خواستید به این امکانات درجه یک و قابل اعتماد در سینما دست پیدا کنید باید حتماً به فارابی مراجعه می‌کردید و این امکانات به خاطر محدود بودن، باید در اختیار کسانی قرار می‌گرفت که صلاحیت بیشتری برای مراقبت و نگهداری از آن وسایل ارزشمند و کار با آن ابزار داشتند که رویکرد درستی بود. بعد که سینمای ایران وارد عصر دیجیتال شد، بخش خصوصی در حیطه فنی فعال شد و شکل حمایت بنیاد سینمایی فارابی نیز تغییر کرد.

• اینکه بنیاد سینمایی فارابی برای حمایت از آثار سینمایی باید گزینش کند کار درستی است اما هر چه سمت و سوی حمایت روشن باشد، نتیجه مطلوب‌تری خواهد داشت. مؤلف بودن یک کارگردان - کسی که برای ساخت یک فیلم تعیین‌کننده است - اهمیت دارد. فقط این نیست که فیلمنامه خوب باشد و دیگر وجود کارگردان اهمیت نداشته باشد. شما ممکن است یک فیلمنامه خوب را به یک کارگردان متوسط بدهید و نتیجه‌اش یک فیلم بد باشد و برعکس؛ یک فیلمنامه متوسط را به یک کارگردان خوب بدهید و نتیجه‌اش یک فیلم عالی شود. در ارزیابی آثار سینمایی برای حمایت از تولیدشان، باید از بحث و بررسی و تحلیل یکجانبه و نگاه‌های یکسویه دست برداشت چرا که فیلمسازی فرآیند و روندی است که شما اگر به یک ایده مرکزی نزدیک شده باشید، همه می‌توانند دست به دست هم بدهند تا آن ایده مرکزی تحت مدیریت کارگردان شکل بگیرد. چرا که سینما و فیلمسازی، یک کار دسته‌جمعی و گروهی است و اگر از یک نگاه خاص، مشخص، اجباری و تعیین‌کننده به یک سمت و مسیر بیاید، هیچ وقت به یک نتیجه مناسب نمی‌رسد. باید اجازه بدهیم که حامی، در کنار فیلمساز باشد و فقط به فیلمساز مشاوره بدهد. اگر شما برای فیلمساز «باید و نباید» بکنید، اصلاً به آن نتیجه که باید برسد، نمی‌رسد و همه چیز برعکس می‌شود.

• باید به جایی برسیم که تنوع سلیقه و تنوع دیدگاه در فارابی جریان پیدا نکند؛ یکی از راه‌های رسیدن به این شرایط ایده‌آل این است که یکسری آدم ثابت در بخش فرهنگی وظیفه تصمیم‌گیری درباره فیلمنامه‌های سینمایی را برعهده نداشته باشند و آدم‌ها قابل تغییر باشند. یعنی به افرادی برسیم که براساس فیلمنامه، موضوع و ژانر اثری که به فارابی پیشنهاد می‌شود، تغییر یابند و انعطاف‌پذیر باشند. این شکل تغییر، سبب می‌شود تا ایده، دیدگاه و جهان فیلمساز بهتر دیده شود چرا که ما در سینما با فرمول ریاضی طرف نیستیم و با شابلون نمی‌توان آثار هنری را ارزیابی کرد. یک وقت ممکن است همه با یک فیلمنامه مخالف باشند ولی ایده‌ی خوبی داشته باشد و نهایتاً فیلم خیلی خوبی شود. سخت‌ترین فیلمی که من ساختم «لیلی با من است» بود. یعنی همه با آن مخالف بودند و یک نفر در ارگان دولتی وجود نداشت که با آن موافقت کند. فقط یادم می‌آید که «محمدحسین حقیقی» در بنیاد سینمایی فارابی یک تنه در کنار این فیلمنامه ایستاد و از آن دفاع کرد در شرایطی که همه با آن مخالف بودند. بعد از سوی فارابی کمک شد تا ما بتوانیم «لیلی با من است» را بسازیم و گرنه غیرممکن بود من بتوانم آن فیلم را بسازم.

فرهاد توحیدی | فیلمنامه‌نویس

افق‌های دور برای سینما



• در طول تاریخ ۳۷ ساله، فارابی از مسیرهایی گوناگون کوشش کرده به سینمای ایران غنا ببخشد. یکی از مهم‌ترین کوشش‌های فارابی تلاش‌هایی است که در زمینه نشر ادبیات سینمایی کرده است؛ یعنی در سال‌هایی که کسی رغبت نمی‌کرد کتاب سینمایی چاپ بکند و اساساً تصور می‌شد که این نوع کتاب‌ها، تیراژ و بازاری ندارد، انتشارات بنیاد سینمایی فارابی بود که برخی از مهم‌ترین کتاب‌های ادبیات سینمایی را ترجمه کرد یا کتبی که در انتشارات بنیاد سینمایی فارابی توسط مؤلفان سرشناس کشور تألیف شد و این به پیشرفت ادبیات سینمایی در ایران کمک کرد. بعضی از متون، متون فوق‌العاده کلیدی و شاخصی است که سال‌هاست دست‌افزار سینماگران است. مثل کتاب «روایت در سینمای داستانی» و البته کتاب‌های بسیار دیگری که بنیاد سینمایی فارابی در زمینه‌ی پرورش فکر و ایده در سینمای ایران منتشر و نقش بسیار مهمی را ایفا کرده است. و یا «فیلم‌نگار» که من به‌عنوان فیلمنامه‌نویس هم به آن افتخار می‌کنم و هم اینجا اعتراف می‌کنم که خیلی چیزها از آن یاد می‌گیرم؛ هر شماره‌ای از آن که منتشر می‌شود، کلی مطالب آموزنده و آموزشی دارد که برای فیلمنامه‌نویسان سینمای ایران واقعاً قابل استفاده است و یک کوشش درخور توجه است. اگر بنیاد این کار را نمی‌کرد، سخت می‌شد فکر کرد که کسی بیاید پشت چنین ایده‌ای بایستد. بنابراین تشخیص دادن این نکته که کجا سینمای ایران به کمک نیاز دارد و کجا نرم‌افزارها باید به کمک سینمای ایران بیایند، به گمان من محصول تشخیص درست یک اتاق فکر بوده و در جهت برطرف کردن مشکلات هم پیش رفته‌اند.

• بنیاد سینمایی فارابی در سال‌های اخیر ایده تشکیل صندوق سینما در بورس را دنبال کرد و مرکزی برای شتاب‌دهی سینمای ایران طراحی کرد که هرچند من خیلی با دستاوردهای آن آشنا نیستم، اما ایده، یک ایده فوق‌العاده‌ای است. گمان می‌کنم اصل ایده برای اینکه سینما به سرمایه‌های مردم وصل شود، خوب است. یعنی پروژه‌ها این توانایی را داشته باشند که خودشان را معرفی بکنند، سهم بفروشند، سهام عرضه بکنند و مردم یا صاحبان سرمایه را سهیم بکنند...

• باید کوشش کنیم تا موانع را از سر راه سینمای ایران برداریم؛ یعنی ما یک جنگ بزرگ حقوقی با نظام قانونگذاری کشور برای نوشتن قانون سینما داشته باشیم. طبیعی است که باید اصناف در نگارش این قانون دخیل باشند، ولی نمی‌توانیم از کمک‌های فکری تشکلی مثل فارابی چشم‌پوشی کنیم. چه بخواهیم و چه نخواهیم، اینجا مرز سینمای ایران است. اینجا باید تبدیل به یک اندیشکده شود تا به افق‌های دور، فتح بازارهای جهانی، چالش‌های پیش روی سینمای ایران، چالش‌های صنفی و... نگاه کند و سعی کند در شکل‌دهی نظام صنفی سینمای ایران مشارکت کند. ما باید با مجلسی که نماینده‌هایش به سینما نمی‌روند، به تئاتر نمی‌روند، موسیقی گوش نمی‌دهند، کتاب نمی‌خوانند و با ملتی با این فرهنگ هفت هزار ساله، چالش کنیم و قانون سینما را پیش ببریم. و طبیعتاً این اندیشکده، باید در جهت تثبیت آزادی بیان در سینمای ایران قدم بردارد و درواقع خودش نباید مانع اندیشه باشد.

۴۹

کتابت

سی و هفت سالگی بنیاد سینمایی فارابی
فرزها، فرودها، افق‌ها



علی اکبر ثقفی | تهیه‌کننده و کارگردان

عیار سنجی بدون شابلون

• در این سال‌ها، جشنواره و سینمای کودک در بنیاد سینمایی فارابی تغییرات مثبتی داشته است. من همواره معتقد بودم که سینمای کودک به جای فیلمسازی نباید به یک فضای تفریحی تبدیل شود و نیازمند حضور افراد نخبه در این عرصه است و می‌توان برای ارتقای این سینما از موضوعات اجتماعی بهره‌گرفت و فیلم ساخت. اینکه سینمای کودک سینمای مفرح و شادی باشد، خوب است اما گاهی وقت‌ها سینمای کودک باید دربرگیرنده دردهای جامعه باشد. فکر می‌کنم سینمای کودک نباید سینمایی بر مبنای آمار و ارقام باشد یعنی به جای بیست فیلم کودک، می‌توان چهار فیلم خیلی خوب ساخت که ارزش بیشتری داشته باشد. اتفاقی که امروزه در بنیاد سینمایی فارابی نمود دارد و رخ داده است.

• یکی از راهکارهای ارتقای تولید کیفی در بنیاد سینمایی فارابی، تنوع‌بخشیدن و حضور افراد هنرمند و متخصص در شوراهای بنیاد سینمایی فارابی است که می‌تواند به ارتقای سطح کیفی شوراها کمک کند و این اپیدمی شکل نگیرد که یک نفر به مدت بیست سال در یک شورا بماند و با یک شابلون در دستش همه آثار را با آن بسنجد و طبق آن انتخاب کند. برای مثال نباید طوری باشد که من پنج سال پیش یک فیلمنامه را ارائه بدهم و ایراداتی از آن گرفته شود و امسال هم که فیلمنامه دیگری را تحویل می‌دهم باز هم شاهد همان ایرادها باشم که پنج سال پیش گرفته شد و زاویه دید جدید و نگاه نو در ارزیابی‌ها وجود نداشته باشد.



حامد حسینی | تهیه‌کننده

نقشه‌راه

• بنیاد سینمایی فارابی در تولید آثاری اجتماعی و آسیب‌شناسانه که از هزینه‌های وارد بر جامعه جلوگیری می‌کنند، بسیار موفق عمل کرده است. برای بقای سینما، فارابی باید به روش‌های جدیدی برسد تا گردش مالی اتفاق بیفتد و گرنه به سمت منسوخ شدن حرکت می‌کند.

• ما به این نیازمندیم که با روش‌های فروش مویرگی فیلم‌ها در کشورهای دیگر، هزینه‌های مالی خود را جبران کنیم. اگر به این مباحث فکر نکنیم، آینده برای سینما ترسناک خواهد بود. ضمن اینکه باید توجه داشت که آدم‌های متخصص این حوزه به دلیل مضرات به وجود آمده به سمت فعالیت در پلتفرم‌ها حرکت کرده‌اند. ما باید این طراحی را داشته باشیم که در تولید فیلم و سریال، مدیایی که قرار است در آن ارائه شود رعایت کنیم. برای مثال مینی‌سریال‌هایی در خارج از کشور ساخته می‌شوند که به اندازه دو فیلم سینمایی برای آن هزینه شده است اما سرمایه‌گذار می‌داند که این سریال در چند کشور خارجی به نمایش گذاشته خواهد شد. ما چاره‌ای نداریم به سمتی حرکت کنیم که برای درآمد مویرگی خود برنامه‌ریزی داشته باشیم و با حفظ شعائر انسانی مخاطبان بسیاری جذب کنیم. می‌توانیم کارهای خوبی تولید کنیم که خطوط قرمز هم رعایت شوند و مخاطب هم داشته باشند. مردم دنیا هم به دنبال این خطوط قرمز نیستند. اما ما گاهی با خطوط قرمز بی‌دلیل، مردم را آزار می‌دهیم.

۵۱

تجربیات

سی و هفت سالگی بنیاد سینمایی فارابی
فرارها، فرودها، افق‌ها



محسن دامادی | فیلمنامه‌نویس
و کارگردان

هدف‌گذاری با هزینه کم

• ما هنوز به فیلم‌های افتخار می‌کنیم که ابعاد فرهنگی و محتوای داستانی قوی دارد. فارابی هم اگر در کارهایی که ساخته کنکاش کند، متوجه می‌شود که هنوز می‌تواند به کارهایی ببالد که از این جنس هستند و بابت آن‌ها هم هزینه چندانی نکرده است. سپنمای ایران را با فیلم‌هایی مانند «خانه دوست کجاست؟» می‌شناسند که هزینه چندانی هم برای تولید آن‌ها نشده است. توصیه می‌کنم همچنان به تولید تعداد بیشتر فیلم‌هایی که جذابیت‌های داستانی بیشتر و فیلمنامه‌های قوی‌تری دارند، بپردازد.

• رقابت در این عرصه منجر به رشد سینمای فرهنگی از این جنس می‌شود. در هر عرصه‌ای زمینه رقابت فراهم شود آن عرصه قوی‌تر می‌شود. این موضوع می‌تواند اصلی‌ترین مأموریت بنیاد سینمایی فارابی باشد تا به جای صرف هزینه زیاد برای یک فیلم که شبیه به خرید هندوانه باز نشده است، بر روی تولید تعداد بیشتر فیلم‌های خوب سرمایه‌گذاری کند تا هم بتوانیم بازار بیرون از کشور را حفظ کنیم و هم سلیقه مخاطب را در داخل کشور تحت تأثیر قرار دهیم.

• قاعدتاً کسی که نیازمند خوراک است اگر از یک رستوران نتواند غذای خود را تأمین کند به رستوران دیگری مراجعه می‌کند. علت اصلی رجوع مردم به شبکه‌های خارج از ایران نیز همین است. توجه به آثار بیرونی، بیشتر از هر چیز به سازندگان داخلی ضربه می‌زند. زمانی هم که مخاطبی وجود نداشته باشد تشکیلاتی که دولت با عنوان حمایت و نظارت ایجاد کرده، بی‌حاصل است.

• یکی از کارهایی که باید انجام شود این است که اول بخش ممیزی را صاحب تفکر وسیع‌تری کنیم تا از جنبه‌های نهادی و رانتی خارج شود و بینش آن را گسترده‌تر کنیم. از طرفی روی سینمای فرهنگی کم‌هزینه سرمایه‌گذاری شود تا هم تعداد بیشتری شاغل و آثار بیشتری تولید شوند و از میان این آثار می‌توان برخی را به خارج از کشور فرستاد و در داخل هم ذائقه‌ها را تغییر داد. مزیت این روش این است که اگر قرار باشد هر دو هدف محقق نشوند، هزینه کمتری برای آن صرف شده باشد.



پوران درخشنده | تهیه‌کننده و کارگردان

جهانی شدن

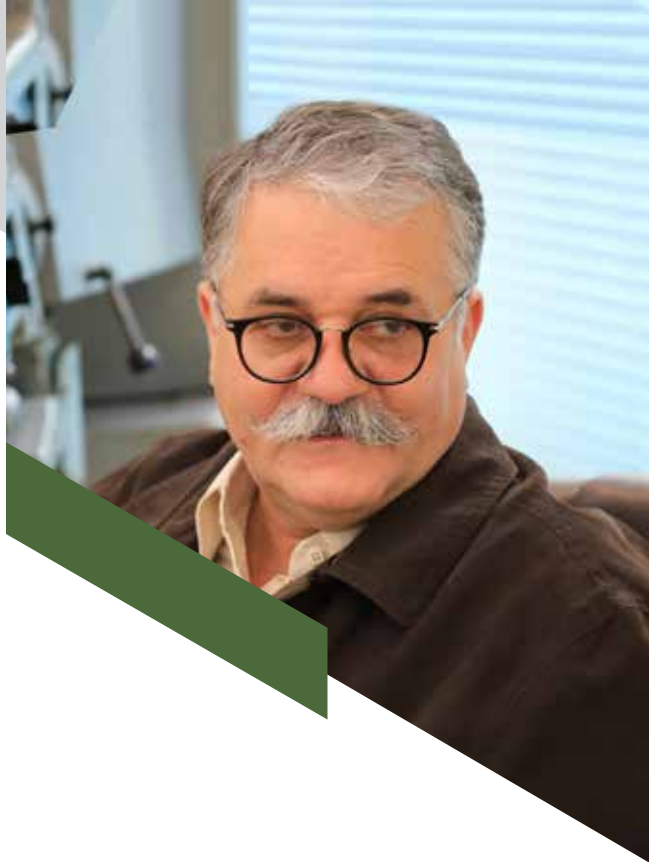
• سینمای ایران متعلق به همه است. چه فیلمساز با تجربه که می‌خواهد فیلم خوب بسازد و چه نیروهای جوان و تازه‌نفس. واقعیت آن است که تاکنون، سینمای ایران به خاطر همه صداقت و سادگی و شعرگونه بودنش باید از آنی که هست، بیشتر جهانی شود و امیدوارم در ۱۴۰۰ به بعد این اتفاق بیفتد.

• دهه ۶۰ و ۷۰، دوران موفق بنیاد سینمایی فارابی در بخش بین‌الملل بود و من می‌دانم که «علیرضا شجاع‌نوری» خیلی تلاش می‌کرد برای اینکه بتواند سینمای ایران را به جشنواره‌های بین‌المللی معرفی کند. او برای عرضه جهانی فیلم‌های خوب زحمت می‌کشید. و این در شرایطی بود که ما احتیاج داشتیم که به سینمای جهان معرفی شویم. ما باید بتوانیم در سینمای جهان حرفی داشته باشیم و خودمان را پیدا کنیم چرا که سینما زبان مشترک همه ملت‌هاست. امروز ما باید مخاطب جهانی بیشتری پیدا کنیم و بتوانیم فرهنگ و توانایی‌های خودمان را به نمایش بگذاریم و بگوییم ما ایرانی‌ها در کجای این جهان هستی قرار داریم، چه می‌کنیم، چه نگاهی داریم و از چه فرهنگ و ویژگی‌هایی برخورداریم.

۵۳

سینما

سی و هفت سالگی بنیاد سینمایی فارابی
فرارها، فرودها، افق‌ها



امیر شهاب رضویان | کارگردان

مدرسه فارابی

• شکل حمایتی بنیاد سینمایی فارابی در دوره اخیر، منطقی است. اینکه می‌آید از فیلم‌های ارزان‌قیمتی که جوان‌ها می‌سازند حمایت می‌کند، این خیلی می‌تواند به سینمای ایران کمک کند. به خاطر دارم در سال ۸۱-۸۲ بود که دومین فیلم سینمایی‌ام را می‌ساختم و در انتظار ۲۰ میلیون تومان پول بودم که به من ندادند! همان موقع سیصد میلیون بلاعوض به یک فیلم دیگر دادند! این دلیلش جز برخورد سلیقه‌ای نبود.

• این بنیاد، یک مجموعه خیلی مهم در سینمای ایران است و نشان داده که فارغ از وزارت ارشاد، به خودی خود در سینما تعیین‌کننده است. یعنی سینما حتی اگر مبدل به یک بخش کاملاً خصوصی هم شود، اگر سیاست داشته باشد و بتواند در سیاست‌گذاری سینمای ایران، درست نقش خود را ایفا کند می‌تواند به توسعه سینما کمک کند. اصلاً هم لازم نیست صرفاً پول بدهد و کمک مالی بکند. فارابی در سیاست‌گذاری و قانونگذاری اگر درست عمل کند، موفق شده است. این کاری است که امروزه به آن نیاز داریم و چنین

جاهایی در کل جهان هم وجود دارد. مثلاً سیستم سینمای کانادا، یک تشکل به نام «تله فیلم کانادا» دارد که شبیه فارابی ماست و در تمامی قوانین سینمای آنجا تعیین‌کننده است. خیلی هم پولی ندارد که برای تولید و توزیع فیلم خرج کند، ولی اگر کسی می‌خواهد یک فیلم را تولید بکند، طبق سیستم «تله فیلم کانادا» می‌تواند عمل کند که یا فیلمش در مناسبات سندیکایی ساخته می‌شود یا نه. فیلم یا لوباجت است یا فیلم مطابق بر تولید معمول. اگر لوباجت است، می‌گوید شما حداقل ۸۰۰ هزار دلار هزینه‌ات است. اگر فیلمنامه‌ات را بپذیرد، یک رقمی به لوباجت کمک می‌کند. در سال به ۱۰ تا ۲۰ فیلم ممکن است کمک کند. طبق استانداردهایی که آنجا مدون است، همه چیز تعریف شده و روابط حرفه‌ای مشخص است. قرارداد تهیه‌کننده و کارگردان، قرارداد تهیه‌کننده و فیلمبردار، یا کارگردان و عوامل... هرچه که فکر کنید در آنجا وجود دارد و بسیاری از سوءتفاهم‌ها و بسیاری از مشکلات در تفسیر انواع منافع‌ی که در سینما وجود دارد، توسط همین قوانین حل شده است.

• از سوی دیگر به نظر من فارابی اگر به سمت موضوعاتی مثل نظریه‌پردازی سینما برود، اثرگذارتر خواهد بود. اینکه سینمای آینده ما باید به چه سمتی برود. در شرایطی که این همه جوان داریم که می‌توانند با قیمت کم فیلم بسازند، ما باید چگونه از آنها حمایت کنیم و چشم‌انداز سینمای آینده را با اتکا به چه کسانی باید ترسیم کنیم؟ تکلیف فیلمسازان معروف و پا به سن گذاشته و تکلیف هم‌نسلان من، روشن است. ما هر کدام کار خودمان را کرده‌ایم اما با نسل جوان چه کار باید کرد؟ با دورانی که سینما دارد به شکل مجازی عرضه می‌شود، چه کار باید کرد؟ این قوانین باید کجا تدوین شود؟ کجا بهتر از فارابی است که نقشی همچون مدرسه ملی سینما را (در شکل درست و کاربردی‌اش) بر عهده بگیرد. من یک بار به دکتر روح‌الله حسینی گفتم که «مدرسه ملی سینما» آموزش راه انداخت درحالی‌که آموزش یک پدیده‌ای است که هم در دانشگاه‌ها هست، هم در آموزشگاه‌ها و هم در خیلی از مدارس علمی-کاربردی اما آنچه در آن مدرسه مهم بود، ورک‌شاپ‌ها و سمینارهایی بود که اثر کاربردی داشت و من فکر می‌کنم جای آن سمینارها و کارگاه‌ها، الآن در فارابی خالی است. فارابی می‌تواند در مباحث تئوریک طوری عمل کند که نسل آینده را از ابهام درآورد.

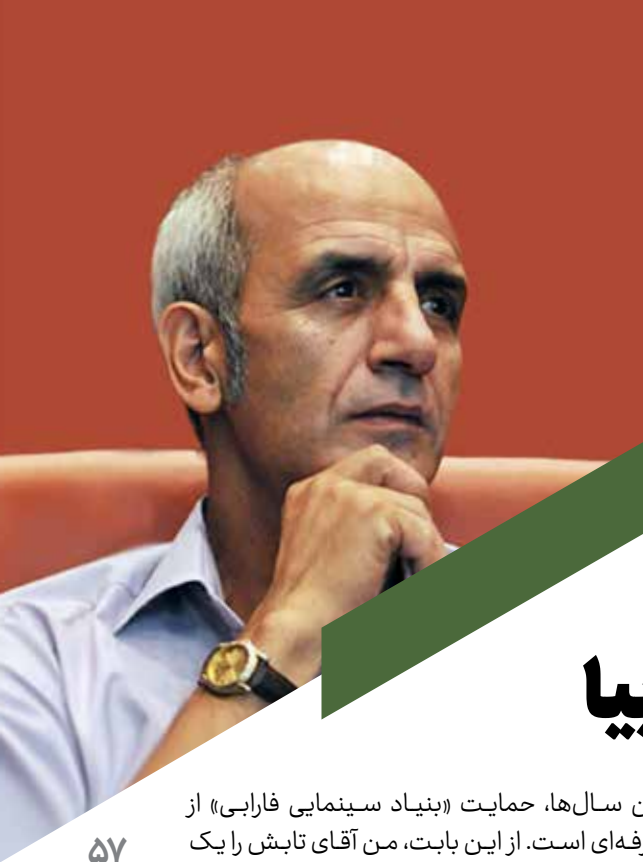
• باید باور کنیم که مناسبات تولید و نمایش در کل جهان تغییر یافته است. بلیه خانمان سوز کرونا سبب شد تا ما یاد بگیریم که فیلم را می‌شود در صفحه‌ی موبایل، در تلویزیون، در تبلت، در کامپیوتر و در لپ‌تاپ‌مان هم نگاه کنیم و خیلی از فیلم‌هایی که امکان نمایش نداشت دارد نمایش داده می‌شود. باید باور کنیم که جهان دارد عوض می‌شود و ما باید قوانین را تغییر دهیم و ناگزیر از این هستیم که مطالعه کنیم و نظریه‌پردازی کنیم و سیاست‌های جدید ایجاد کنیم.



حسین زندباف | تهیه‌کننده،
تدوینگر و کارگردان

سنگ بنا

- قبل از شروع به کار بنیاد سینمایی فارابی، تولید سینمایی را شروع کرده بودم اما با شروع به کار بنیاد و استقرار مدیرانش، حمایت خوبی از این بنیاد دیدم و در آن مقطع به عنوان کسی که باتجربه محسوب می‌شدم، از سوی «سیدمحمد بهشتی» نهایت همکاری برای تولید و حمایت از فیلم‌هایی که ساختم صورت گرفت. در اتاق آقای بهشتی همیشه باز بود و او با دغدغه از سینمای ایران در دو وجه تجهیزات و محتوا حمایت می‌کرد.
- بنیاد سینمایی فارابی سنگ بنای سینمای متفاوت ایران را گذاشت و در حمایت‌هایش همواره ارزیابی منطقی داشت. خیلی استثناء است که یک آدم معتبر با حمایت فارابی فیلمی بسازد و آن فیلم، ضعیف بشود. کارهای ارزنده‌ای که با حمایت فارابی تولید شده‌اند زیاد بوده‌اند و به ویژه بنیاد در بخش بین‌الملل، اقدامات برون‌مرزی عجیب و غریبی کرد و توانست سینمای بعد از انقلاب ایران را به دنیا بشناساند.
- باید بگویم در اوایل دهه ۷۰ در تولید بعضی فیلم‌های سنگین که کارکرد گیشه‌ای نداشت، مثل «سفر» یا «ایستگاه متروک» از نظر مالی با مشکلاتی مواجه شدیم که بنیاد سینمایی فارابی به داد ما رسید. اگر فارابی نبود شاید بانک سر یک فیلم ممکن بود کاری کند که به زندان بیفتیم اما فارابی پرداخت وام‌ها را تقبل کرد و...
- اینکه عده‌ای به عملکرد بنیاد سینمایی فارابی در آن مقطع و حتی امروز معترض‌اند، منطقی نیست. باید ابعاد مختلف را دید و جزئیات حمایت‌ها و نقش بنیاد را در مقاطع مختلف ارزیابی کرد. بنیاد سینمایی فارابی حمایت و مراقبت می‌کند و اینگونه نیست که همه پول تولید یک فیلم را بدهد. این انتظار که فارابی صددرصد از تولید هر فیلمی حمایت کند غلط است. تو به عنوان تهیه‌کننده باید توانایی داشته باشی و فارابی به تو کمک کند.
- تحولات تکنیکی سینما و ورودش به عصر دیجیتال سبب شد تا حمایت‌های بنیاد سینمایی فارابی هم تغییر شکل بدهد. در این وضعیت هم که بخش خصوصی فعال‌تر از پیش است، باز حمایت دولت اهمیت دارد. امروز هم در بخش تجهیزات و هم در عرصه پخش و استانداردسازی سالن سینما نقش دولت مهم است و از سویی، باید متخصصان عرصه سینما جدی گرفته شوند و از وجهه سینما مراقبت کرد. اگر قرار است فیلمی ساخته شود باید آدم‌های حرفه‌ای در تولید آن مشارکت کنند و شرایط مطلوب این است که برای رقم خوردن درست آینده سینما، به این تخصص‌ها بیش‌تر بها داده شود.



رهبرقنبری | کارگردان

در جستجوی اتوپیا

• یکی از اتفاق‌های خوب سینمای ایران در این سال‌ها، حمایت «بنیاد سینمایی فارابی» از فیلمسازان جوان و خوش‌فکر در عرصه سینمای حرفه‌ای است. از این بابت، من آقای تابش را یک مدیر خوش‌فکر می‌دانم که تلاش کرده تا جوانان دارای ایده و توانمند وارد سینما شوند و اجازه کار و انتقال فرهنگی به آنان داده شود.

• این یک آرزوست که روزی در سینمای ایران، بی‌نیاز به ارگان‌ها امکان ساخت فیلم فراهم باشد و موج سرمایه از بیرون وارد سینما شود اما باید به این نکته توجه داشت که اگر تشکلهایی چون «بنیاد سینمایی فارابی»، «مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی» و یا حتی «انجمن سینمای جوانان ایران» تا سال‌ها حفظ شده‌اند و به کار خود ادامه می‌دهند، علتش این است که این سازمان‌ها جریان اصلی سینما نیستند و تنها انتقال‌دهنده یک جریان فرهنگی به حساب می‌آیند. در اغلب موارد و در همه جای دنیا، هنر از میان مستضعفان و قشر کم‌درآمد برمی‌خیزد. با نگاهی جانب‌دارانه باید امید به ادامه کار فارابی تا سال‌های دور داشته باشم و کاش «بنیاد سینمایی فارابی»، همچو امروز، تنها به جوانان خوش‌فکر و کم‌بضاعت میدان دهد تا در یک چارچوب حرفه‌ای، فیلم‌های خود را بسازند.

۵۷

فیلم‌فست

سی و هفت سالگی بنیاد سینمایی فارابی
فرزها، فرودها، افق‌ها



علی عطشانی | کارگردان

یک شرط منطقی

• به نظرم در یکی از دوره‌های خوب بنیاد سینمایی فارابی قرار داریم و امیدوارم که به این سمت برویم که فارابی مثل گذشته یک شرکت به تمام معنا باشد. یعنی تولید، تجهیزات و پخش همه اینها در آن باشد و علاوه بر اینکه به عنوان متولی تولید در سینمای ایران و حمایت‌کننده فیلم‌ها فعال است، بتواند از صفر تا صد فیلم‌ها را هم حمایت و هم مدیریت کند.

• یکی از سؤال‌هایی که همیشه مطرح است نحوه تخصیص منابع مالی در بنیاد سینمایی فارابی است. طبیعتاً هر سازمان و هر نهادی سیاست‌های خاص خودش را دارد و طبیعی است که براساس سیاست‌های خود سرمایه‌گذاری می‌کند. اینکه ما توقع داشته باشیم فارابی همه فیلمسازان را حمایت کند و بودجه‌اش را بین تمام فیلمسازان تقسیم کند، منطقی نیست ضمن آنکه، آن بودجه دیگر به هیچ دزدی نمی‌خورد چون آنقدر آن عدد کم می‌شود که هیچ کمکی به هیچ فیلمی نمی‌کند.

• من در سال‌های مختلف، ۵ یا ۶ فیلمنامه به فارابی دادم که به نظر خودم فیلمنامه‌های خوبی بود، ولی در شورای بنیاد سینمایی فارابی رد شدند و هیچ حمایتی از آنها صورت نگرفت. بعد یک فیلمنامه دادم که آن را تأیید کردند و از آن حمایت کردند. به هر حال هر سازمانی با سیاست‌ها، خط‌مشی‌ها و ایده‌آل‌هایی که خودش دارد جلو می‌رود و این طبیعی است... این هم مثل قضیه جشنواره است که یکسری فیلم هستند، از بین فیلم‌ها یک فیلم را انتخاب می‌کنند و... این هم دقیقاً همان است و محصول نظر یک شورا است. آنچه مهم است این است که شوراهایی که در بنیاد سینمایی فارابی یا بقیه جاها فعالیت می‌کنند، متشکل از آدم‌های بی‌حب و بغض و آدم‌هایی باشند که به اسم آدم‌ها کاری نداشته باشند و سعی کنند که بدون غرض راجع به فیلمنامه‌هایی که می‌آید نظر بدهند. به نظر من روشی که بنیاد سینمایی فارابی دارد، منطقی است اگر شوراهای بی‌غرضی باشند.



سید جمال ساداتیان | تهیه‌کننده

اقتصاد شکننده سینما

• از آنجا که سینما به لحاظ اقتصادی خیلی نحیف شده، امروز با هر کس که حرف بزنیم در درجه اول انتظار کمک مالی دارد. اگر هم بخواهیم بگوییم که اهالی سینما چه انتظاری از بنیاد سینمایی فارابی دارند، به خاطر پیشینه‌اش، قطعاً همه می‌گویند دولت در آن پول تزریق کند و بنیاد هم متقابلاً برای تولیدات فیلم سینمایی حمایت‌های وافرتری را داشته باشد.

• نقشه راه و مسیرش اگر شفاف باشد، می‌توان راحت‌تر فعالیت کرد و امروز نمی‌شود مثل معمارهای قدیم کار کرد. به نظرم سینما یک مقدار جدی‌تر پلن می‌خواهد و نباید مثل کمیته امداد سینما را اداره کرد. عموماً جاهایی که با شیوه سوبسیدی مدیریت می‌کنند، ثبات ندارند و موقعیت مدیرانش همیشه لغزنده است. باید به این نکته توجه کرد که چرا نباید اقتصاد سینما خودکفا باشد؟ چرا نباید ما طوری فیلم بسازیم که مثل بسیاری از کشورهای دیگر دست تهیه‌کننده‌ها در جیب خودشان باشد؟! به نظرم اگر آن برنامه را داشته باشیم، خیلی راحت می‌توانیم این بودجه‌ها را هم حذف کنیم. اگر من تهیه‌کننده آنقدر مطمئن هستم که سناریویی که انتخاب کردم این ظرفیت را دارد که بتوانم از درآمد خودش هزینه‌هایش را بپردازم خب به راحتی می‌روم ریسک این را قبول می‌کنم و وام و تسهیلات می‌گیرم و کارم را انجام می‌دهم. اما وقتی خودم اطمینان ندارم، حتماً دنبال جایی می‌گردم که بتوانم پول بلاعوض بگیرم. این نوع نگاه است که باعث شده اقتصاد سینمای ما شکننده باشد.

• یک زمان می‌گفتیم چون تعداد سالن‌های مکتفی در کشور نداریم، باید جلوی نمایش فیلم‌های خارجی را در کشور بگیریم اما امروز با شیبی که سالن‌ها افتتاح و ساخته می‌شود، به نظرم این یک بحث اساسی است که ما چرا نباید همزمان فیلم‌های خارجی را در ایران نمایش بدهیم؟! حضور این فیلم‌ها باعث می‌شود هم پای مردم به سینما باز بشود و هم یک جهش فکری و کیفی در تولیدات سینمای ایران ایجاد شود. من اگر قرار بود در تشکلی مانند بنیاد سینمایی فارابی مسئولیت داشته باشم، با این رویکرد به بنیاد فارابی می‌آمدم!

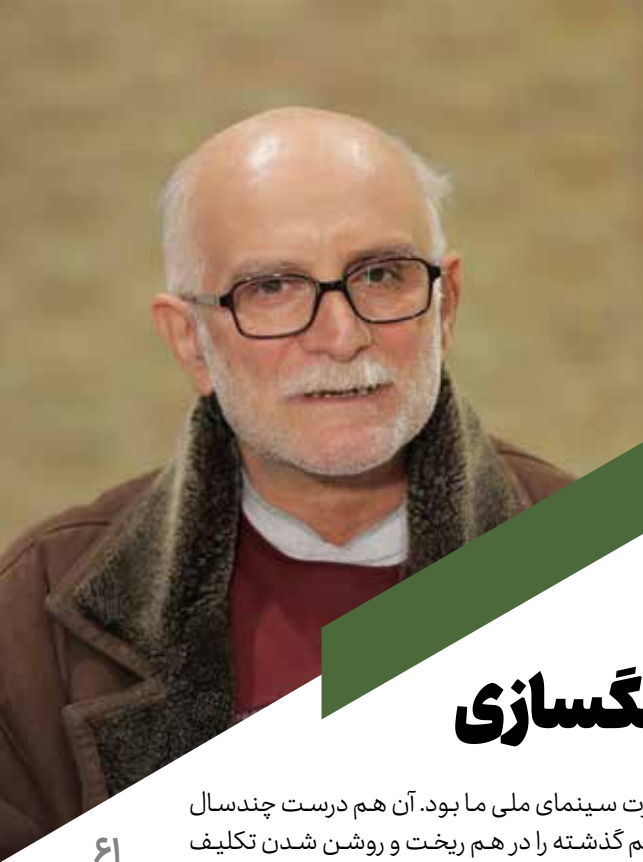


مهدی سجاده‌چی | فیلمنامه‌نویس

سرمشقی برای تحول

• بنیاد سینمایی فارابی باید به عنوان یک سوپرمؤسسه و درواقع یک تشکل برای نوآوری، خلاقیت، کارهای جدید در سینما و فناوری‌های مدرن و جدید، فعال باشد. طبیعتاً مسیری که در دوره جدید تاکنون طی شده، مسیر حرکت به سمت فرهنگی کردن فارابی و جدا کردن آن از بحث‌های سخت‌افزاری است.

• به عنوان مثال اگر بنیاد سینمایی فارابی می‌خواهد حمایت از سینمای اقتباسی انجام شود - که به هر حال ایده درستی هم هست - باید ادبیات هر چه بیشتر به کمک سینما بیاید و این کار باید تداوم داشته باشد. در سینمای آمریکا که اقتباس در آن بسیار رایج است، جایزه فیلمنامه‌ی اورجینال را برای این گذاشتند که فیلمنامه اورجینال یک پناهگاهی داشته باشد چون اصلاً نوشته نمی‌شود! یعنی عمدتاً تهیه‌کننده دنبال فیلمنامه اورجینال نیست چرا که رمان‌های پرفروش و حتی رمان‌های قدیمی و نمایشنامه‌های قدیمی کلاسیک که امتحان خودشان را پس داده‌اند، در سینما به تصویر کشیده می‌شوند و مخاطب خود را از ادبیات به سینما می‌آورند. تهیه‌کننده‌ها هم خیالشان راحت است و می‌دانند وقتی که سراغ رمان‌ها، نمایشنامه‌ها و یا قصه‌های قدیمی کلاسیک بروند ضرر نمی‌کنند. در کشور ما درست برعکس است؛ ما یک جریان ادبیات نداریم که به درد سینما بخورد. این مطلق نیست. قطعاً کتاب‌هایی به تعداد خیلی کم، رمان‌هایی به خصوص در این چهل و چند سال و یا حالا قبلش وجود دارند. البته که به متون کلاسیک کاری نداریم چون اقتباس از آنها کار بسیار دشواری است و فعلاً از اندازه‌های سینمای ما کمی خارج است. اما همین تعداد کتاب در ادبیات معاصر نمی‌توانند جریان‌سازی بکنند. من تاکنون چندین جای مختلف شاهد بودم که آمدند این کار را انجام بدهند، اما یک سال و حداکثر دو سال و بعد تعطیل شده است، چون ورودی‌اش نحیف بوده است و تعداد کتاب‌هایی که در سال می‌آید و امکان این را دارد که تبدیل به فیلمنامه بشود آنقدر کم است که عملاً بعد از مدتی دکان اقتباس تخته می‌شود! با وجود این اگر یکسری پیگیری وجود داشته باشد و تغییر مدیریت در فارابی، سبب نشود که این حرکت متوقف شود، می‌توان به یک نقطه مشخص رسید. فیلمنامه‌نویس‌ها باید بدانند که به فیلمنامه‌های اقتباسی‌شان یک نظریه‌ای وجود دارد. تهیه‌کننده‌ها هم همین‌طور. در ده سال اگر این اتفاق بیفتد، ارتباط بین ادبیات و سینمای ایران ممکن می‌شود و بعد وقتی که ما نویسندگانی پیدا کنیم و فیلمسازانی داشته باشیم که قادر باشند آثار اقتباسی را بنویسند، تولید کنند یا بسازند؛ به تدریج آنها می‌توانند به سراغ متون پیچیده‌تر هم بروند. متونی که اقتباس از آنها کار دشوارتری است اما حاصل آن خیلی فوق‌العاده است.



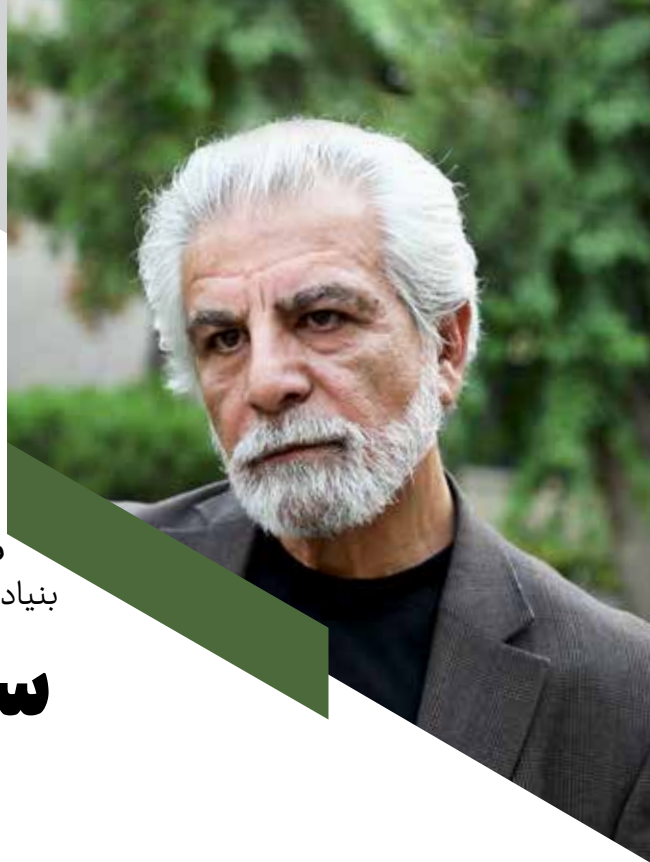
محمد رضا شرف‌الدین | تهیه‌کننده

«(باید)»ی به نام فرهنگسازی

• بنیانگذاری و تأسیس بنیاد سینمایی فارابی ضرورت سینمای ملی ما بود. آن هم درست چندسال بعد از پیروزی انقلاب اسلامی که تمام بنیان‌های رژیم گذشته را در هم ریخت و روشن شدن تکلیف یکی از مهم‌ترین موضوعات زمان (یعنی رسانه متشکل از مطبوعات، سینما و تلویزیون) اهمیت داشت. جمله تاریخی حضرت امام (ره) این تکلیف را روشن ساخت و بنیاد سینمایی فارابی توانست با حمایتش از سینمای ایران برای سینمادوستان، سینماگران و کسانی که راهی برای آینده سینما ترسیم کرده بودند، اتفاق‌های نوی سینمایی با قدوقواره‌های قابل قبول رقم بزند. بنیاد سینمایی فارابی با حمایت و برنامه‌ریزی، سینما را از وجه اجتماعی قدرتمند کرد و باید از مدیریت و زحمات سید محمد بهشتی و همراهانش که مدیریتی منحصربه‌فرد داشت به خوبی یاد کرد.

• نکته‌ای که نیاز به پیگیری آن در آینده حس می‌شود این است که ما باید با جامعه بین‌المللی و همین‌طور اصناف و مخاطب ارتباطی تنگاتنگ داشته باشیم. «بنیاد سینمایی فارابی» باید به عنوان یک مؤسسه فرهنگی وابسته به دولتی که متعلق به نظام جمهوری اسلامی است، شناخته شود. یعنی ما باید وظیفه فرهنگ‌سازی را منطبق با فرهنگ جمهوری اسلامی و انقلاب پیش ببریم.

• سینمای ملی ما سینمای دفاع مقدس است که با نام «سینمای مقاومت» از آن یاد می‌کنیم. منظور من تضعیف دیگر ژانرهای سینمایی نیست اما اگر منطقه مقاومتی را به لحاظ محدوده جغرافیایی در نظر بگیرید که به اصطلاح به آن «هلال شیعی» می‌گویند که اصطلاحی شیعی-سیاسی است. دوست دارم این پرسش را مطرح کنم که حوزه اثرگذاری سینمای ما در حوزه اثرگذاری «مقاومت» بیشتر است یا در اروپا که کشور دشمنان ماست؟ یک فیلم خوب و تأثیرگذار در حوزه جمهوری اسلامی و تفکر مقاومت از بیش از ده‌ها موشک کارآمدتر است. گاهی از خود می‌پرسم که حاج قاسم سلیمانی سینمای ایران چه کسی است. جنگ و سپاه حاج قاسم را ساخت و بنیاد سینمایی فارابی نیز وظیفه دارد چنین کاراکتری را در حوزه فرهنگ و سینما بسازد و ارائه دهد. معتقدم که دولت وظیفه بسیار خطیری در حوزه فرهنگی و تبلیغات مقاومت دارد که امیدوارم «بنیاد سینمایی فارابی» به خوبی از عهده انجام این امر برآید.



منوچهر شاهسواری | عضو هیئت امنای
بنیاد سینمایی فارابی و مدیرعامل خانه سینما

سینما و راه توسعه

• از نظر من تأسیس بنیاد فارابی یک نوآوری بهنگام بوده است. توجه کنید به جریان تاریخی آن سال‌ها چه به لحاظ سیاسی، اقتصادی، فضای بین‌المللی، درگیری‌های بین‌المللی، منطقه‌ای، داخلی و... همه اینها فرصت‌هایی بود برای اینکه چیزی به عنوان سینما اساساً شکل نگیرد. با ترکیب همه نیروها، سینمای ایران تبدیل به یک موتور محرک شد و البته میل عمومی مخاطب برای اینکه فیلم ایرانی ببیند آن هم در شرایط بسته بودن فضا و عدم دسترسی‌ها و نبودن منابع دیگر سرگرمی‌ساز، سینما را تبدیل به یک امر جدی و مصرف جدی در سبد فرهنگی کرد. ما کم کم، حرفه‌های مختلف را شناختیم؛ یعنی فهمیدیم که تدوینگر مهم است، طراح صحنه مهم است، دستیار کارگردان مهم است و... اینگونه بود که پشت صحنه در سینمای ما، حرفه‌ای شد و از دل همان روابط، تخصص‌های حرفه‌ای در سینمای ایران شکل گرفت. گرفتاری از جایی شروع شد که ما فردا را فراموش کردیم و درگیر گذشته شدیم. و این میل به گذشته‌گرایی، همه اجزا و سلول‌های ذهنی و فکری ما را کهنه می‌کند، چون نمی‌خواهیم تن به تغییر

دهیم. ما در این حوزه متاسفانه دچار یکسری از سیاست‌زدگی‌ها هم بودیم و هستیم و تغییر و تحولات سیاسی عملاً مانع تداوم مدیریت‌هاست.

• براساس سنت فرهنگی قدرتمندی که در ایران وجود دارد و سنت باغبانی نام گرفته است، هر روزه و به دقیقه و لحظه نیازمند نظریه، نقشه، ساختار و خیلی از پارامترهای دیگر هستیم تا بتوانیم بر مبنای تحولات حوزه فرهنگ در جهان جدید، از سینما نگهداری کنیم و مدام آن را توسعه بدهیم. این یک وظیفه برای همه فعالان حوزه سینما و نهادهای سینمایی است؛ اما در شرایط فعلی فکر می‌کنم بنیاد سینمایی فارابی می‌تواند چنین نقشی را به طور جدی ایفا و آن را تبدیل به یک دستاورد کند. این دستاورد قابلیت دارد به تولید دانش سینمایی منتهی شود و این دانش سینمایی در اختیار دیگران قرار گیرد. این دانش حاصل نمی‌شود مگر اینکه نظریه وجود داشته باشد و به نیروی انسانی خلاق آموزش داده شده باشد، به تفاوت‌های نسلی باور داشته باشیم و به تغییر نیازهای مخاطب تن بدهیم. طوفان تغییرات ما را وادار به تمکین می‌کنند و وادار شدن به تمکین می‌تواند برای حوزه فرهنگ خطرات جدی داشته باشد؛ اینکه از زبان و ادبیات و تاریخ خودمان منفک بشویم و بزرگ‌ترین خطری که ما را تهدید می‌کند، این است.

• همه مرزهای سیاسی و جغرافیایی جهان فعلی، در حال تغییر است و اساساً دیگر مرزها هویت ندارند و فاصله‌ها به شدت کم شده است و به همان مقدار، ارتباطات وسیع‌تر. در چنین شرایطی تنها چیزی که می‌تواند یک ملت را صاحب شأنیت بکند، حوزه فرهنگ و هنر است. سینما به عنوان هسته مرکزی تمدنی جدید و منظومه فکری جهان، نقش بسیار مهمی در این تمدن بنیان‌تصویر دارد و اگر به آن توجه نکنیم و کار نکنیم ما فقط یک مصرف‌کننده محض می‌شویم. ملتی که سینما ندارد، به یک معنا ملتی است که صدا و تصویر ندارد و وقتی شما صدا و تصویر نداشته باشید در این جهان پرآشوب، دیگر در متن جهان نیستید و به حاشیه جهان می‌روید... نسل جدید با استفاده از درک و ذوق و سلیقه و اراده خودش تلاش می‌کند که به منابع لازم برسد. آن منابع مانند همان باغ است. اگر یک باغ خوب باشد به آنجا می‌رود؛ قدم می‌زند و گل مورد نیازش را هم به استناد ذوق و سلیقه و علاقه خودش پیدا می‌کند. ما به این نسل، هم مدیونیم، هم بدهکاریم و هم الزام تاریخی داریم که در ورود به ۴۰ سالگی به یک تغییر و تحول جدی را برسیم. بنیاد سینمایی فارابی به نظرم می‌تواند چنین نقشی را برای نسل نو بازی کند.



مهدی صباغزاده | تهیه‌کننده و کارگردان

خطر خروج از ریل

• بنیاد سینمایی فارابی یک جریان فرهنگی را ایجاد کرده که بتواند شرایط را برای دستیابی به سینمای مطلوب کنترل کند. اگر قرار است که این اتفاق بیفتد و ما به سمت سینمای فرهنگی، جذاب و خوب برویم نیازمند هستیم که دولت کمک کند و بودجه‌ای را برای تغییر و تحولات فرهنگی و آینده سینما در اختیار بنیاد سینمایی فارابی قرار دهد. اگر این اتفاق نیفتد، مطمئن باشید که سینما نمی‌تواند راه خودش را برود چرا که تهیه‌کننده بخش خصوصی صرفاً باید به شاخصه‌های جذب مخاطب در سینما فکر کند.

• فیلمساز اولی که شروع به فیلمسازی می‌کند، با همه کمک‌هایی که ممکن است فارابی یا بخش خصوصی به او بکند و یا سرمایه‌گذار بیاید؛ باید توجه داشته باشد که سنگ خوبی را از زمین بردارد و درست وارد میدان شود. سینمای حرفه‌ای ویژگی‌های خودش را دارد و برخلاف سینمای تجربی، باید بتواند با مخاطب ارتباط برقرار کند.

• یکی از وظایف مهم بنیاد سینمایی فارابی این است که جریان پویای سینما را مورد حمایت قرار دهد. اگر قرار باشد که به گیشه خودش فکر کند و بگوید من باید درآمد داشته باشم تا بتوانم به فیلمسازان دیگر کمک کنم، این امکان‌پذیر نیست اما محافظت از وجه فرهنگی و هنری سینما برایش یک هدف مهم است. اینکه طوری فعالیت کند که این قطار که سال‌ها برایش زحمت کشیده شده، از ریل خارج نشود که اگر از ریل خارج شود، مطمئن باشید که سینمای آینده، یک سینمای بسیار مبتذل و سطحی در کشور خواهد بود.



سحر صباغ سرشت | تهیه‌کننده و بازیگر

ضرورت آسیب‌شناسی

• به عنوان فردی که سینما برایم اهمیت دارد و عاشقانه دوستش دارم، باید به نهاد مدیریتی در این حوزه اشاره کنم و بگویم اگر مدیری برای بخش فرهنگی انتخاب می‌شود و می‌فهمیم که در طول مسیر مدیریت، شایسته و لایق صندلی مدیریت است و صلاحیت دارد و توانسته مسیر مدیریتی خود را به درستی هدایت کند، به جای جایگزینی او با مدیری تازه‌وارد، به همان مسئول بال و پر دهیم. او را تحت یک نگاه دقیق و ذره‌بینی قرار دهیم و اشتباهاتش را به نقد و بررسی بگذاریم و به تصمیمات درستش اجازه شکوفایی دهیم.

• وقتی قرار است «بنیاد سینمایی فارابی» رویکردی را پی بگیرد و گام در مسیر درست بگذارد، تغییر مدیریت‌هایی که هر چند سال یک بار رخ می‌دهد، شاید مسیر روشنی برای شکوفایی را به ارمغان نیاورد، چراکه رویکرد هر مدیری به خود او مربوط است و با مسیر دیگران تفاوت دارد. هر کدام از مدیران، از منظر خود مسائل را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهند و غالباً شخص جدیدی که بر مسند مدیریت می‌نشیند در ادامه رویکردهای مدیر قبلی به اهداف یک سازمان نگاه نمی‌کند بلکه مسائل را از منظر خود آسیب‌شناسی می‌کند. این مقوله می‌تواند به عنوان نکته‌ای قابل تأمل سنجیده شود. هدف مشترک همه ما در بخش فرهنگ و هنر، حفظ و بقای سینمای ایران است و یک مدیر خوب می‌تواند به آباد کردن سینما کمک کند.

۶۵

سحر صباغ سرشت

سی و هفت سالگی بنیاد سینمایی فارابی
فرارها، فرودها، افق‌ها



رسول صدرعاملی | تهیه‌کننده و کارگردان

رویاها و آرمان‌ها

• ما از دهه ۶۰ در حسرت این بودیم که سینمای ایران به جایی برسد که اگر در هر جای دنیا یک پلان از فیلمی را دیدید، بدون تیتراژ بفهمند که فیلم محصول سینمای ایران است؛ یعنی این رویای ما بود. برای اینکه به این رویا برسیم، سینما باید آدم‌هایش را پیدا می‌کرد. جشنواره فیلم فجر و ارتباطش با بنیاد سینمایی فارابی بود که همین پیشگامی سینمای ایران را رقم زد و درواقع این هم در ذات خود سینما بود؛ یعنی ما هر سال که کارنامه‌ی تولیدات یک ساله خودمان را در جشنواره‌ی فجر مرور می‌کردیم و بعد بنیاد سینمایی فارابی اشکالات و کمبودهای آن را می‌فهمید و بعد ما به سمتی می‌رفتیم برای اینکه جشنواره فجر بعدی، پربارتر شود. خیلی وقت‌ها این اتفاق می‌افتاد و گاهی هم اتفاق نمی‌افتاد. اشکالی ندارد برای اینکه به هر حال سینماست و قرار نیست همیشه همه تصمیماتی که شما می‌گیرید درست باشد. ما حق داریم در سینما ۱۰ تا تولید داشته باشیم و ۶ تای آن خطا باشد. همین که ۴ تای آن تولید درست باشد و به اهداف از پیش تعیین شده‌اش برسد به نظر من سینمای موفقی است.

• بنیاد سینمایی فارابی در یک نگاه کلی، همه جا دستگیر و یار و یاور کسانی بود که واقعاً می‌خواستند فیلم بسازند. هیچ کس نیست که در ۳۷ سال تصمیم گرفته باشد فیلم بسازد و نساخته باشد. یعنی اگر کسی تصمیم جدی داشته و همت کرده و دانش آن را هم داشته و می‌خواسته فیلم بسازد، حتماً فیلمش را ساخته است. اولین جایی هم که به او کمک کرده بنیاد سینمایی فارابی بوده است. بعدش حوزه هنری و بعدش جاهای دیگری که آرام‌آرام به این چرخه تولید و رسیدن به اهدافشان از طریق سینما پیوستند.

• تصورم این است اگر یک آیین‌نامه و قواعد و قوانین مدونی وجود می‌داشت که هر مدیرعاملی که به بنیاد سینمایی فارابی می‌آمد، موظف می‌شد آن قواعد و قوانین مدون را رعایت کند، شاید در ارتباط سینما و جامعه اتفاق‌های بهتری می‌افتاد و ما الآن روزگار رویایی‌تری را داشتیم.

• به نظر من بزرگ‌ترین کار بنیاد سینمایی فارابی این است کاری به این نداشته باشد که در زمینه فیلمسازی استعدادیابی کند. کاری به این نداشته باشد که چه کسی خوب می‌نویسد و چه کسی بد می‌نویسد. بهتر است سینماگر تربیت کند. به جای اینکه به سینماگر جوان لقمه بدهد، ماهیگیری را یاد بدهد. به بچه‌هایی که می‌خواهند تولید کنند و تهیه‌کننده باشند، آموزش بدهد. زیرساخت جدی تولید، تربیت تهیه‌کننده است و کمک به ایجاد استودیوها. اینکه در آغاز سال، من به عنوان یک استودیوی فیلمسازی بتوانم به سازمان سینمایی تعهد بدهم که من امسال ۵ یا ۱۰ فیلم با این قواعد، قوانین و مضامین به شما تحویل می‌دهم و بروم کارم را بکنم. آنقدر درگیر شدن در جزئیات، لازم نیست. حالا این وسط یکسری تولیداتی هست به نظر می‌رسد باید اتفاق بیفتد. فارابی نباید اگر قرار است ما در مورد محیط زیست حتماً فیلمی داشته باشیم، این را برنامه‌ریزی کند؛ ولی کمک‌های اساسی‌تری به بدنه سینما بکند. کمک در شناخت و درواقع یافتن کسانی که خودشان می‌توانند منشأ تولید باشند، می‌توانند سرمایه جذب کنند، می‌توانند سلیقه مدیران دیگر عرصه‌های اجتماعی را جلب کنند و درواقع رابطه سینما با جامعه را رقم بزنند.

• بنیاد سینمایی فارابی باید تلاش کند ما بازار پیدا کنیم و بتوانیم فیلم‌هایمان را عرضه کنیم. باید سینما را به دست سینماگران واقعی بسپارد که این کار را بلد هستند و به سینمای ایران مدیوم جهانی ببخشند؛ یعنی اینکه برایش پخش‌کننده‌ی جهانی همه جای دنیا جایی به اسم بنیاد سینمایی فارابی دارد ولی اول مشخص است که دارد چه می‌کند.

• هندی ۳۵ سال پیش آمد و در هر کشور اروپایی یک سینما به مدت ۵ سال اجاره کرد و شروع به نمایش فیلم‌های هندی در آن سینما کرد؛ در لندن، پاریس، رم، نیویورک و تمام شهرهای مهم جهان، آرام‌آرام سلیقه‌سازی و ذائقه‌سازی کرد و نتیجه‌اش این شد که الآن در همه تلویزیون‌های این کشورها، نمایش فیلم هندی جزو سودآورترین کارهایی است که دارند انجام می‌دهند.

• اگر قرار است بنیاد سینمایی فارابی حضور داشته باشد، شخصاً دلم می‌خواهد که سینمای ایران را به اهالی خودش واگذار کند و سازمان سینمایی و بنیاد سینمایی فارابی به نظارت و حمایت دوردور و کلی بپردازند. از آن طرف تمام تمرکز تشکلی مانند بنیاد سینمایی فارابی روی این گذاشته شود که فیلم من بتواند پخش جهانی داشته باشد، من بتوانم تولید مشترک داشته باشم و کمک کند که سرمایه جذب کنیم و فیلم بسازیم. این بضاعت را داریم و توانش را هم داریم ولی شرایطش آماده نبوده و یا آنقدر با بغض‌ها، حسادت‌ها، کم‌بینی‌ها، کم‌دانشی‌های خودمان (همه‌مان) تنیده شده‌ایم که فقط داریم به خودمان لطمه می‌زنیم... این درحالی است که سینمای ایران شایستگی جهانی شدن را داشته و دارد...



نادر مقدس | تهیه‌کننده و کارگردان

نیاز به موج جدید

• باید دستورالعمل ساخت فیلم‌های فرهنگی و هنری که جای دیگر امکان تولیدشان وجود ندارد، در محوریت برنامه‌های بنیاد سینمایی فارابی قرار بگیرد و نوستالژی‌ها را زنده کند. چراکه ما به تولید این دست از آثار نیازمندیم. در سال‌های گذشته مدیران زیادی بر منصب مدیریت نشسته و جابه‌جا شدند. از زمانی که آقای تابش مدیریت این بنیاد را برعهده گرفت، شاهد نگاه خیرخواهانه‌اش بودم و می‌دیدم که تلاش‌ها و ایده‌های مفیدی در این بنیاد شکل می‌گیرد. هرچند شرایط اجتماعی بیرون، فشارهای اقتصادی جامعه و ماهیتی که امروز سینمای ایران دارد در چگونگی فیلمسازی داخل بنیاد فارابی هم تأثیرگذار بوده که البته گریزی از آن نیست. واقعیت آن است که جامعه سینمایی ما خیلی تمایلی به تولید آن دست از آثاری که بنیاد سینمایی فارابی را در دوره‌ای به شکوفایی رسانده بود، ندارد. در نتیجه فارابی باید خودش به تنهایی تولید و عرضه در این بخش از سینما را بر عهده بگیرد. فارابی برای پیشبرد اهداف خود نیاز به هماهنگی بیشتر با احوالات جامعه و سینما دارد.

• در حوزه سینمای کودک «بنیاد سینمایی فارابی» هم مسئولیت تولید آثار و هم عرضه آن‌ها را برعهده می‌گیرد و بار مسئولیت این بنیاد را کمی سخت می‌کند. برگزاری جشنواره کودک لازم است اما باید بدانیم که به تنهایی کافی نبوده و کاری را از پیش نمی‌برد. باید بگوییم «حبیب ایل‌بیگی» هم که در واحد کودک مشغول به کار است، نگاه دلسوزانه‌ای دارد. در نهایت باید بدانیم که نیازمند راه‌اندازی موج جدید سینمای کودک هستیم. البته من به سخت بودن اکران این قبیل از آثار آگاه هستم. چراکه این روزها چرخه اکران در دست صاحبان قدرت است، اما هنوز «بنیاد سینمایی فارابی» یک سالن دارد که می‌تواند از آن به عنوان «سینما تک کودکان» استفاده کند و یا آثار را در عرصه‌های بین‌المللی در معرض نمایش بگذارد.



ولی‌الله مدنی | تهیه‌کننده

راهکاری برای آینده

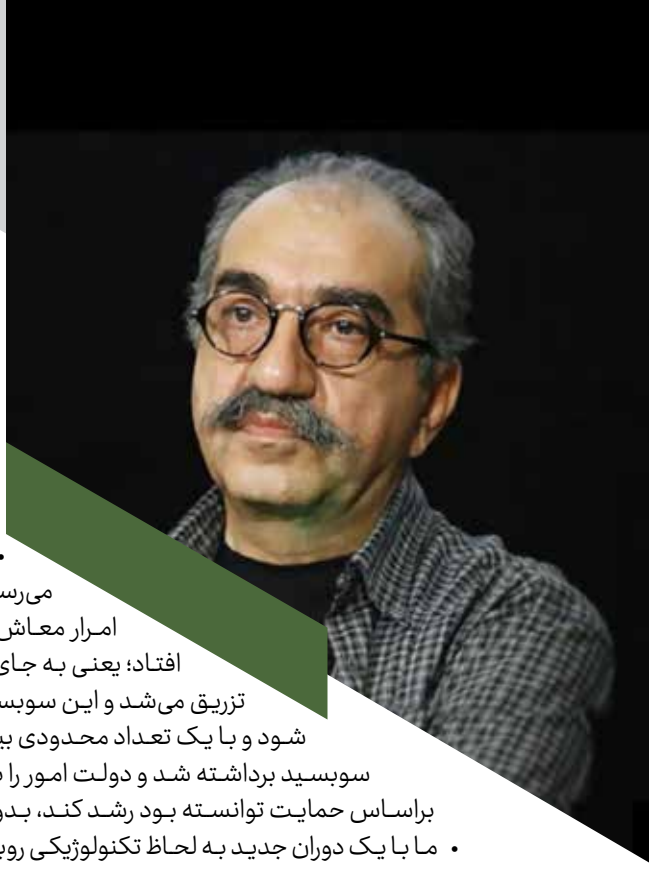
• یکی از اتفاق‌های مثبت بنیاد سینمایی فارابی در دوره اخیر، حمایت از فیلمسازان جوان و جدید سینمای ایران است که نتایج خوبی هم به همراه داشته است. البته اینکه توقع داشته باشیم فارابی از همه فیلمسازان جدید حمایت کند، منطقی نیست.

• من همواره به دانشجویهای خودم می‌گویم که برای ساختن فیلم اول، هیچ کجا راحت‌تر از ایران نیست! اگر میزان ساخت فیلم‌های اول را به صورت سالانه با میزان تولید کل آثار سینمایی در ایران مقایسه کنید، متوجه آمار قابل توجه فیلم‌اولی‌ها در سینمای ایران می‌شوید. به عبارتی دیگر، حمایت از حضور فیلم‌اولی‌ها در سینمای ایران به شکلی گسترده صورت می‌گیرد و البته خیلی طبیعی است که برخی از این فیلمسازان در ادامه مسیر، غربال شوند و دیگر نتوانند آثار دیگری تولید کنند و برخی دیگر هم، قاطعانه به مسیر فیلمسازی خود ادامه دهند.

• هجوم افراد جدید به سینما و عدم توانایی این صنعت برای پاسخگویی به همه این افراد، می‌تواند آسیب‌های زیادی به همراه داشته باشد. ما باید از تعداد اعضای خانه سینما و تعداد تولیدات آن‌ها، برآورد داشته باشیم و ببینیم برای چرخیدن چرخ صنعت سینما چه تعدادی از افراد مورد نیاز هستند. با ورود افراد جدید این نسبت‌ها به هم می‌خورد. اگر در ورود فیلمسازان جدید، به سینما باز باشد و سالی پنجاه نفر جدید را بپذیریم، با رقم هولناکی مواجه خواهیم شد که بعدها آسیب‌هایش را به صورت جدی خواهیم بود. در نتیجه درباره چگونگی حمایت از کارگردانان جدید، کار بنیاد سینمایی فارابی و تشکلهای مشابه را سخت می‌کند. در این زمینه باید دستورالعمل‌هایی را تدارک دید تا در تولید و پخش اثر به یک راهکار مناسب دست یافت ضمن آنکه دست و دل بازانه رفتار نکرد و سرمایه را در اختیار همه افراد برای تولید فیلم قرار نداد.

تورج منصوری | کارگردان،
مدیرفیلمبرداری

ورود به چله دوم



- با مرور تاریخ بنیاد سینمایی فارابی، به این می‌رسیم که ورق فعالیت این بنیاد وقتی برگشت که امرار معاش سینمای گلخانه‌ای در دوره جدید، برعکس اتفاق افتاد؛ یعنی به جای بالا بردن قیمت بلیت، به تولید سینما سوبسید تزریق می‌شد و این سوبسید باعث می‌شد که فیلم برای سازنده ارزان‌تر تمام شود و با یک تعداد محدودی بیننده به آن سطحی که لازم بود، برسد. ناگهان این سوبسید برداشته شد و دولت امور را به بخش خصوصی واگذار کرد، پس مجموعه‌ای که براساس حمایت توانسته بود رشد کند، بدون حمایت در یک جامعه خشن رها شد.
- ما با یک دوران جدید به لحاظ تکنولوژیکی روبه‌رو هستیم و بالاجبار در شکل گردهمایی فرهنگی در سینما هم تغییر ایجاد شده است. گروه‌ها باید به شکل جدیدی دور هم جمع بشوند، فیلم‌ها باید به شکل جدیدی به نمایش دربیایند، موضوع VOD، موضوع فضای مجازی و عرصه‌هایی که تقریباً برای تهیه‌کنندگان قدیمی و پخش‌کننده‌های ما تا حدود زیادی ناشناخته است، فضا را تغییر داده و شما اگر بخواهید که اینها را کنار هم بگذارید، درواقع اثرش را بر تحول تدریجی بنیاد سینمایی فارابی گذاشته است. این بنیاد باید بازنگری داشته باشد. تعدادی کارشناس را به کار بگیرد تا این کارشناس‌ها بنشینند و عرصه‌های جدید را برای فعالیت‌های بنیاد طراحی کنند. این کاری نیست که خود بنیاد بتواند انجام بدهد و یک کار دقیقاً کارشناسی است که به یک جهان بینی دیگر و شناخت دیگری از سینما و عرصه رسانه نیاز دارد. این کاری است که بسیار فوری، عاجل و جدی باید به آن نگاه کرد. اگر این اتفاق نیفتد، به نظرم بنیاد با یک خطر خیلی جدی مواجه خواهد شد. «بنیاد» یک چیزی را بنیان می‌کند و تاکنون همین کار را کرده است. الان جای یک رویکرد تازه برای بنیان‌گذاری، خالی است.
- این دغدغه را از آنجا مطرح می‌کنم که این بنیاد را دوست دارم. در انتخاب مکان بنیاد سینمایی فارابی، یک تاریخ و یک نگاه فرهنگی موجود است. یعنی شما یک آدرس دارید که به میدان آزادی می‌ماند. بنیاد فارابی به نظرم افتخارآمیز است و کار کسانی که در بنیاد کار کرده‌اند، آنها که بنیاد را تأسیس کردند و نطفه بنیاد را به وجود آوردند و توسعه‌اش دادند و آنها که تا امروز حفظش کردند، خارج از تمایلات فرهنگی و سیاسی‌شان، جای قدردانی دارد. وقتی که همه اینها را با همدیگر جمع می‌زنیم، به یک مؤسسه برخورد می‌کنیم که کشور از داشتنش باید حتماً به خودش بالاد.
- خوشحالم که بنیاد در پایان ۳۷ سالگی‌اش به این فکر افتاده که واکنش بگیرد و متوجه بشود که نگاه‌ها و انتظارات نسبت به آن چیست. این قدم مثبتی است. من این را به فال نیک می‌گیرم. امیدوارم که آقای تابش و بقیه‌ی دوستان الان که به این فکر افتادند، این فکر را ادامه بدهند و در عمل یک گروه کارشناسی تشکیل بدهند. ساعت‌ها، هفته‌ها، روزها و ماه‌ها کار کارشناسی لازم است تا بتوان یک استراتژی جدید را طراحی کرد و وارد چله دوم شد.



سهیل موفق | کارگردان

تهدید بزرگ

• نکته مهمی که در بنیاد سینمایی فارابی اتفاق می افتد حمایت از گونه ها و ژانرهای مختلف سینمایی است و این اتفاق خوبی محسوب می شود به طوری که فارابی برای تولید فیلم در برخی از ژانرهایی که نمی توانند به درستی عرض اندام کنند، وارد عمل می شود کما اینکه این کار را به درستی در ادوار مختلف انجام داده است. اینکه در چه دوره های قوی و چه دوره های ضعیف بوده را، بر عهده مخاطبان و هنرمندانی که با این بنیاد کار می کنند، می گذاریم.

• امیدوارم خیلی زود شرو و ویروس کرونا کنده شود تا بتوانیم دور هم جمع شویم و از کنار هم بودن لذت ببریم. فارابی باید اولویت های خود را با اولویت های مخاطبان تنظیم کند نه با اولویت های مدیریتی و سیاسی! اگر بخواهیم به سمت اولویت های مدیریتی که برگرفته از سیاست زدگی است، حرکت کنیم منابع بیت المال به جاهای دیگر می رود که برگشتی هم ندارد. فارابی این امکان را دارد که از فیلم هایی حمایت کند که برگشت سرمایه دارند تا این برگشت سرمایه باعث شود بسیاری از فیلمسازان دور این سفره جمع شوند اما اگر فقط دنبال ساخت کارهای ارزشی بروند و نگاهی به بودجه دولتی باشد، ممکن است به جایی برسیم که مدیران بالادستی احساس کنند که بودن و نبودن فارابی توجیه خاصی ندارد. اگر فارابی نتواند برای بقای منابع مالی خود برنامه ریزی صحیحی کند، خطر حذف شدن آن را تهدید می کند.

۷۱

فیلم

سی و هفت سالگی بنیاد سینمایی فارابی
فرارها، فرودها، افقها

محمدعلی نجفی | کارگردان و رئیس
هیئت مدیره خانه سینما

هویت و حرکت



• بنیاد سینمایی فارابی در ابتدای فعالیت‌اش در بعد محتوایی و تجهیزات کمک کرد تا سینمای ایران در دوران جدیدش شکل بگیرد؛ درواقع سینمای ایران به همان اندازه که در زمینه محتوا دگرگونی داشت در زمینه تکنیک هم به روز می‌شد و فیلمبرداری، نورپردازی و صداپردازی هم ارتقاء می‌یافت. این ماجرا تا دهه هشتاد ادامه داشت. افت و خیز هم داشت ولی قطار تولید و توزیع به حرکت درآمده بود. به تدریج تعریف سینما، تغییر کرد و فضای آنالوگ تبدیل به فضای دیجیتال شد و بنابراین فارابی هم با این فضای جدید، متحول شد. وسایل و ابزار سینما وارد بخش خصوصی شد و نقش فارابی به حمایت از حضور بین‌الملل، بخش‌های جدی گرفته نشده سینما (مثل سینمای اقتباسی) و یا در موقعیت امروز، حمایت از فیلمسازان اول معطوف شد.

• نقش بنیاد سینمایی فارابی همچنان در سینمای ایران مهم است. فارابی می‌تواند از تجربیات گذشته مثل یک چراغ که راه را نشان می‌دهد برای رسیدن به آینده بهره‌بردار و همچنان آن نقش فرهنگی و انگیزه‌بخش را برای نسل جوان و حتی سینماگران باتجربه ایفا کند. بخش بین‌الملل بنیاد سینمایی فارابی همچنان امکان غنی‌تر شدن را دارد و همچنان در تکاپوست که سینمای ایران چگونه می‌تواند شرایطی داشته باشد که تولیداتش در خارج از ایران (در کشورهای منطقه، اروپا، آمریکا و...) پخش شود و تماشاگر وسیع‌تری داشته باشد.

• من همواره به ویژه از زمانی که از بدو حضورم به عنوان رئیس هیئت مدیره خانه سینما، ارتباط تنگاتنگی با فارابی داشته‌ام و دارم احساس می‌کنم بنیاد سینمایی فارابی همچنان یک تشکل دلنشین است و در افرادی که می‌خواهند اثر سینمایی تولید کنند و فکرهای جدید را وارد عرصه سینما کنند، انگیزه ایجاد می‌کند. در سال‌های اخیر، مدیران فارابی با آرامشی خاص حمایت از فیلم‌های خوب ایرانی را برعهده داشته‌اند و عملکردی موجه دارند. سالن زنده‌یاد «عباس کیارستمی» در بنیاد سینمایی فارابی، یک سالن بسیار مدرن و قابل توجه است. من فیلم‌های جشنواره فیلم فجر را در این سالن دیده‌ام و فیلم‌ها را برای معرفی نماینده ایران به آکادمی اسکار، در این سالن بازبینی کردیم. کیفیت پخش این سالن خیلی خوب بود و فضای دلنشینی داشت. این تغییرات همان قدر که در بعد تکنیکی افتاده، حتی در معماری بنیاد سینمایی فارابی هم می‌توانید ببینید و نیز در روابط انسانی حاکم بر بنیاد. فارابی در یک جمله آدم را به آینده سینما امیدوار می‌کند و به سینمای ایران حرکت می‌بخشد.



جواد نوروزبیگی | تهیه‌کننده

یک جای خالی

• مشارکت سینمایی با کشورهای که به لحاظ فرهنگی و مناسبات دینی با آنها یکی هستیم و یا هر جای دیگری از دنیا چشم‌اندازی است که حداقل شکل‌گیری‌اش باید از فارابی شروع شود... همچنان من فکر می‌کنم موتور محرک تولیدات مشترک، فارابی است و این بنیاد می‌تواند این کار را مثل همان گذشته‌ای که سینما را راه انداخت، بنا بگذارد که در آن صورت حتماً اتفاقات ویژه‌تری برای سینما خواهد افتاد.

• جای سینمای ایران در اکران‌های جهانی خالی است و حتی در حد همسایه فارسی‌زبانان هم نتوانستیم اقدامات پیش‌برنده‌ای داشته باشیم. این اقدام باید از طریق فارابی شکل بگیرد و فضا را باز کند به سمت اینکه کشورهای فارسی‌زبان، کشورهای مسلمان، کشورهای آسیایی و هر کشور دیگری که ما می‌توانیم با آنها تولید مشترک داشته باشیم، وارد همکاری با سینمای ایران بشوند. البته تجربه‌هایی صورت گرفته است که کافی نیست در حالی که فارابی می‌تواند این جایگاه را ارتقاء بدهد.

۷۳

فیفت

سی و هفت سالگی بنیاد سینمایی فارابی
فرارها، فرودها، افق‌ها



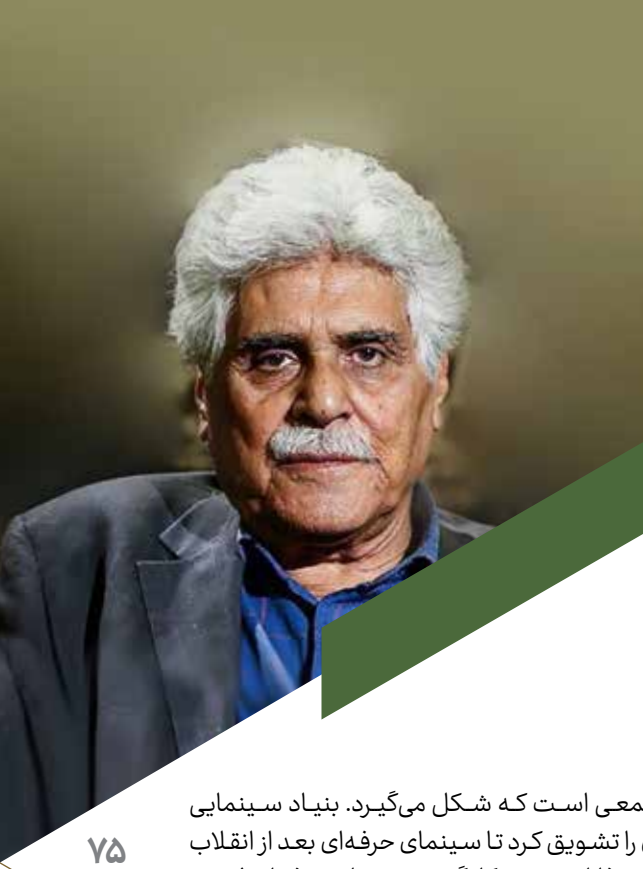
افشین هاشمی | کارگردان و بازیگر

سیاست‌ها و نگاه‌ها

• آثار من چند بار مورد حمایت بنیاد سینمایی فارابی قرار گرفت و خیلی خوشحال شدم. بارها هم فیلمنامه ارائه دادم و مورد حمایت قرار نگرفت. اگر دنبال تحول باشیم و بخواهیم مسئله‌ای رفع شود، شاید باید در آن بخش جستجو کنیم. شاید یک نگاه وسیع‌تر خروجی بهتری داشته باشد که البته این نگاه هم لزوماً به خود بنیاد فارابی بستگی ندارد بلکه برآمده از سیاست‌های کلانی است که تعریف می‌شود. به عبارتی دیگر اگر بشود، باید کاری کرد که در بخش مدیریت کلان، نگاه‌ها فراخ‌تر و بازتر شود و امکان حضور فیلمنامه‌ها و ایده‌های دیگری - ایده‌هایی که گاه ممکن است خیلی با آنچه که از بالا دستور می‌دهند همخوان نباشد- به وجود بیاید. اگر بتوان این فضا را بازتر کرد که ایده‌ها امکان بیشتری برای ساخته شدن پیدا کنند و سپس حمایت شود تا آن ایده‌ها ساخته شوند، بهتر است. گرچه در این سال‌ها گاهی هم این اتفاق رخ داده است.

• به اینکه اگر یک روز مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی بشوم، اولین کاری که می‌کنم چیست، نمی‌اندیشم چرا که فکر می‌کنم این اتفاق اصلاً نمی‌تواند بیفتد. به خاطر اینکه لزوماً کسی که کار هنری می‌کند شاید مدیر خوبی نباشد و یک مدیر خوب می‌تواند هنرمند خوبی نباشد... البته این‌ها نافی همدیگر هم نیستند؛ یعنی مثلاً می‌توان هنرمندی را یافت که مدیر خوبی هم باشد.

• آنچه بنیاد سینمایی فارابی را برای هر فیلمسازی ارزشمند می‌کند، نور امیدی است که برای فعالان سینما وجود دارد. یعنی فیلمساز می‌داند جایی هست که اگر می‌خواهد ایده‌ای را با دیگران به اشتراک بگذارد، آن را ارائه دهد و شاید بتواند از حمایت آنجا بهره‌مند شود. این یک ارزش مهم برای بنیاد سینمایی فارابی است.



هارون یشایائی | تهیه‌کننده

از دیروز تا امروز

• سینما در همه جای دنیا یک کار و یک تفکر جمعی است که شکل می‌گیرد. بنیاد سینمایی فارابی در بدو شروع سینمای نوین ایران سینماگران را تشویق کرد تا سینمای حرفه‌ای بعد از انقلاب شکل بگیرد. در واقع باید گفت کمک بنیاد سینمایی فارابی در شکل‌گیری سینمای حرفه‌ای (یعنی سینمایی که واجد ارزش‌های سینمایی است و در عین حال به گیشه و به تماشاگر توجه دارد) مؤثر بوده است.

• در گذشته بنیاد سینمایی فارابی امکانات و وسائل تولید فیلم را در اختیار سینما قرار می‌داد اما امروز راه‌های رسیدن به راهکارهای جدید در تفکر جمعی را دنبال می‌کند. به نظر می‌رسد در دوره جدید، استفاده صحیح و بخردانه از تکنولوژی دیجیتال و روش‌های مدرن فیلمسازی، اهمیت بالایی دارد.

• در دوره جدید، بنیاد سینمایی فارابی راه را بر نسل جوان سینمای ایران که الآن خیلی هم با استعداد هستند، باز کرده و این نسل را به کار جمعی تشویق می‌کند. امید می‌رود در دنیای جدید، این حمایت‌ها سبب شود تا سینمای ایران مثل گذشته یا بهتر از گذشته، به زندگی خود ادامه دهد.

۷۵

بی‌نفت

سی و هفت سالگی بنیاد سینمایی فارابی
فرارها، فرودها، افق‌ها



www.fcf.ir